

# مسائل اساسی انقلاب را ملاک قرار دهید و بر اختلاف نظرهای فرعی غلبه کنید

اینک دستور لزوم یک تفاهم اصولی و انقلابی بین مسئولین امور کشور و گردآیندگان قوای مختلفه مملکتی، لزوم پایان دادن به دعوی قدرت و آغاز کردن تقویت و تحکیم اساسی جمهوری اسلامی ایران بر همه آشکار شده است. چنانچه ما از این همه دوپیمزنها، بکه - تا زینجا، انحصار زطلبیها، تک رویها - آنهم بعد از آن انقلاب عظیمی که ملیونها مردم بکدل و یک جان در آن شرکت داشتند - بجان آمده است

برای بسیاری از مردم این وضع، این اشیا و مقادیر، این کروشها، این قدرت طلبیها قابل درک و قابل تصور نیست، بویژه که هر نوع ریشه ساسی با ضیقاتی آن انکار نمی شود و در نتیجه عملا بیشتر به یک دعوی پرجنجال بر سر ارتش شانه پیدا می کند و لذا نمی توان آنرا تبادل نظر و حتی اختلاف نظر، میان عقیده نقد در صفحه ۲

## وظایف مجلس شورای اسلامی

مجلس شورای اسلامی ایران وظایف بس خطیری در قبال انقلاب شکوهمندمان دارد، که اهم آنها در لحظه کنونی کمک به تشکیل دولت جمهوری اسلامی ایران و تحویب برنامه آنست. در مصاحبه اختصاصی که چند روز پیش، رئیس مجلس، حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی، با روزنامه جمهوری اسلامی داشت، به بعضی از این وظایف اشاره شده است.

بخشی از وظایف مهم مجلس شورای اسلامی ایران مربوط به خود مجلس، شیوه کار و طرز اداره آنست. مردم رزمده ایران به حق انتظار دارند که فعالیت این مجلس، که مولود انقلاب شکوهمند ایرانست، با عملکردهای مجلسهای زمان طاغوت از ریشه و بن فرق داشته باشد. این امر نه تنها در ترکیب مجلس، بلکه همچنین در شیوه کار و نحوه اداره این ارگان مقتنه باید منعکس گردد. البته باید استقلال رای و بیطرفی انقلابی ضرورتی را مشخصه مجلس شورای اسلامی ایران باشد. اما این

## ملاقات قاسملو با بختیار

دراواخرنیمه (حدود ۲۸ تیر)، قاسملو در محلی بنام "قلعه دیزه" در عراق، با بختیار خاثن ملاقات و مذاکره داشته است. در این ملاقات قاسملو و بختیار بر سر چگونگی سرنگون کردن جمهوری اسلامی ایران، گفتگو و توافق کردند. ملاقات و مذاکره این دو مزدور برای هماهنگ کردن توطئه ها میان علییه انقلاب ایران، جمهوری اسلامی ایران و خلق کرد، شکستی بر نمی انگیزد. هم قاسملو و بختیار رتا حال بخوبی به وظایف محوله خود در این جهت عمل کرده اند. اولی تلاش جهت کشتن شدن خلق کرده جنگ با جمهوری اسلامی ایران و دومی با تلاش جهت سرنگ کردن یک کودتای خونین و کشتار تازه میلیون نفر از مردم ایران و سازماندهی توطئه های رنگارنگ دیگر. هر دو عامل رسوا و سرسپرده آمریکا و هر دو دشمن سوگند خورده مردم ایران و انقلاب اند و گفتگو و مذاکره این دوسر را تدارک توطئه های خاثنانه دیگر نیست. اقدامی در همین جهت است اما جالبست ببینیم که قاسملو و همفکران وی، که مدعیند برای "کسب حقوق حقه" خلق کرد "مبارزه می کنند، چه جایی برای "حقوق خلق کرد" در مذاکره و ملاقات با بختیار رجنایکتا رفاقت هستند و اینرا چگونه به خلق کرد توضیح میدهند؟ جالبست ببینیم که خلق کرد، که خود بسهم خویش در بیرون راندن بختیار، این بی اختیار امیرالایم آمریکا، نقش شما را نداشته است، در مورد دیگر سرنگ کردن این اختیار امیرالایم چون قاسملوها، که می گویند دشمنان خلق کرد را بطریقی دیگر به درون آورند، چسه خواهد کرد؟

بیکمان قاسملو، این عامل بعست عراق، ناتوا امیرالایم آمریکا، که ردیالانه به خلق کرد دروغ می گوید و خنجر خیانت در پشت سر او تیز می کند، سر نوشتی بهتر از بختیار، معذرا و... نخواهد داشت.

## اوباشان قاسملو به دفتر حزب توده ایران در مهاباد حمله کردند

در پی افشاکاری "نامه مردم" در مورد وابستگی قاسملو به جنایتکاران نفعی عراق، اوباشان گروه قاسملو، که از خشم دیوانه شده بودند، در تاریخ ۱۷ مرداد ماه ساعت ۱۱/۳۰ صبح، به دفتر حزب توده ایران در مهاباد حمله کردند و پس از مغلوب ساختن عده ای از اعضای حزب توده ایران، وارد دفتر شدند، کتاها و اعلامیه های موجود را به آتش کشیدند، میزها و صندلیها و دیگر وسایل را غارت کردند و به خانه های خود بردند. در جریان هجوم اوباشان، سه تن از رفقای ما بینا میهای قاسم خوشی، مصطفی تانیر و قاسم نقیه در صفحه ۸



دوره هفتم، سال دوم، شماره ۳۰۵  
دوشنبه ۲۰ مرداد ۱۳۵۹، شماره ۱۵ ریا

## تدارکات نظامی آمریکا در خلیج فارس گسترش می یابد

اقیانوس هند و خلیج فارس سالهاست که به سبب موافقت استراتژیک و نظامی خود، نقش برجسته ای در سیاست جهان شمال امیرالایم، به سرکردگی امیرالایم آمریکا، بازی می کنند. امیرالایم آمریکا همواره کوشیده است، تا با حضور نظامی خود و خوش خدمتی ژاندارم هایش در این منطقه، به ادعای خویش به حفظ به اصطلاح منافع خود بپردازد، و در واقع شرایط ادامه چپاول منافع نفتی کشورهای منطقه را فراهم آورد. با اصطلاح منافع امیرالایم آمریکا در سواحل جنوبی کنورما همچنین مقابله با جنبشهای آزادی بخش ملی، به ویژه انقلاب ایران را در بر می گیرد.

سرنگونی رژیم شاه نه تنها پایه های سلطه اقتصادی، سیاسی و نظامی امیرالایم آمریکا را در میهن با ریشه کن کرد، بلکه هم چنین به منزله سقوط سرژاندارم پنتاگون در منطقه بود. به همین دلیل نیز آمریکا پس از پیروزی انقلاب ایران، تلاش خود را برای یافتن مواضع جدید استراتژیکی شدت بخشید و به تحکیم شبکه گسترده پایگاههای نظامی خود دست بازید. پنتاگون، که از نخستین لحظات پس از پیروزی ۲۲ بهمن، اندیشه بازبانی سنگرهای از دست داده را در سر می بروراند و سیاست ماصحه آمیز و سازشکارانه "دولت موقت" نیز آنرا در تحقق این آرزو تشویق می کرد، خلیج فارس را به یکی از مهم ترین حلقه های زنجیر محاصره ضد انقلابی خویش سد ساخت.

چنان که ناخدا یکم بهرام افضلی، فرمانده نیروی دریایی ایران، در مصاحبه ای با "کیهان" (شنبه ۱۸ مرداد ۱۳۵۹) به درستی یادآور شد:

"هدف اصلی آمریکا از حضور این چنین گسترده آمریکا در منطقه، دو اصل کلی است: یکی جلوگیری از گسترش انقلاب اسلامی ایران به کشورهای هم جوار و دوم به خاک و خون کشیدن انقلاب ایران."

امیرالایم آمریکا به راستی از این که دیگری خلق های منطقه، به ویژه جنبش آزادی بخش کشورهای عرب، با رهایی از بند رژیم های دست نشانده آمریکا و دیگر امیرالایمها، ضربه های سهمگین دیگری بر بیکر شومش فرود آورند و چپاولگری را در بخشی دیگر از جهان محدود سازند، به وحشت مرگ افتاده است. از سوی دیگر، تعمیق انقلاب ایران و اندیشه از دست دادن ایران برای همیشه، آن را به تلاش دیوانه واری واداشته است.

لشکرکشی مستمر پنتاگون به خلیج فارس و اقیانوس هند بخشی از سیاست انقلاب شکنانه کاخ سفیدنشینان است. هارولد براون، وزیر دفاع ایالات متحده آمریکا، چندی پیش در مصاحبه ای مطبوعاتی با نشریه "یو. اس. نیوز اند ورلند ریپورت" اظهار داشت که، در سالهای آینده نزدیک، دولت آمریکا هر ساله ۵ میلیارد دلار برای تسلیحات و واحدهای نظامی مستقر در منطقه خلیج فارس تخصیص خواهد داد. ژنرال گرلی، فرمانده "سپاه واکنش سریع" اعلام داشت که قادر

## رادپوهای ضد انقلابی بختیار و اویسی (سنگ زرد و سفال در خدمت يك هدف شیطانی)

نوشتیم که توطئه های امیرالایم آمریکا علیه انقلاب ایران چندجانبه است و بعدهای مختلف را در بر می گیرد. نوشتیم که تئوری امیرالایستی حرکت بر روی دوپایه - لیبرالیسم و مانویسم - به نحو امیرالایستانه علیه جمهوری اسلامی ایران دارد پیاده می شود. نوشتیم که دو پای دیگر - امیرالایم آمریکا "سوسیال دموکراسی بختیار" و "فاشیسم نظامی اویسی - پالیزبان" است و هر روز شاهد نمونه های مختلف این واقعیت هستیم.

هجوم تبلیغاتی از راه رادپوهای با نام "ایران" و در واقع صدرصد امیرالایستی، یکی از بعدهای توطئه است. در این بعد هم امیرالایم آمریکا همه تخم مرغها را در یک سبد نمی گذارد و به خیال خودش می خواهد روی هر دو پا راه رود. رادپوهای ضد انقلابی با پول امیرالایستی، هر یک قافه ای برای خود می گیرند و می گویند خود را مجزا از هم ولایت "مستقل" اجزا بزنند.

یک رادپوی ضد انقلابی به ظاهر صدای بختیار است و جانبدار سوسیال دموکراسی، یعنی از نوع همان حکومت های امیرالایستی برخی از کشورهای اروپای غربی را وعده می دهد که در واقع نه اجتماع گرا هستند نه خلق گرا، و کمترین رابطه ای نه با سوسیالیسم دارند نه با دموکراسی و برخی از دولت مداران ما امید به آنها بسته اند، و لسی هنر اصلی آنها اینست که با پینه سر می برند. زیر این شکل رادپوی ضد انقلابی مزبور محتوی نقشه براندازی آمریکا را تعقیب می کند و بی چون و چرا دشمن انقلاب و مردم است. بی اختیار مزدور خاثنی چون بختیار در تقسیم کار امیرالایستی هجوم تبلیغاتی است.

یک رادپوی ضد انقلابی دیگر به ظاهر صدای اویسی است و جانبدار حکومت قوی و مشت نیرومند مرد ارتشی (!) یعنی از نوع حکومت های نظیر سرهنگان سپاه یونان یا کودتا گرانی که امیرالایستی لاتیین یک دوجین آن را به معرض تماشا گذاشته و وعده می دهند که گویا آرامش و امنیت و ثبات را به همراه خواهند آورد. این رادپوی ضد انقلابی هم همان محتوی نقشه توطئه براندازی آمریکا را منتهی به شکل دیگر به انجام می رساند و درست مانند همراش دشمن انقلاب و مردم است و صد البته کمترین رابطه ای با راستی و امنیت و ثبات واقعی ندارد، زیرا که نقیه در صفحه ۲

## برای مبارزه با امیرالایم آمریکا دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

### وظایف مجلس...

راسای انقلاب، که طبق رهنمود رهبر انقلاب، امام خمینی، و خواست توده‌های مردم به عهده دارد، حل نه اصطلاح مسئله "کروکانها"، یا به عبارت صحیح‌تر، تکمیل افشای جنایات چندین دهه‌ساله، امریالسم آمریکا علیه ایران و آزادی، استقلال و برقی مردم آنست. افشای این جنایات، که اولین قدم عملی و مهم آن با عمل انقلابی دانشجویان مسلمان پیرو خط امام برداشته شد و کنفرانس بین‌المللی تهران نیز در تأیید آن قطع‌نامه‌ای به تصویب رساند، اکنون باید به صورت یک سند قانونی از جانب عالی‌ترین مقام قوه مقننه کشور درج شود و رسمیت یابد. خوشخانه در این رسد نیز از جانب مجلس شورای اسلامی ایران، بحسن اقدام صورت گرفته و تدارک لازم جهت محاکمه این جاسوسان آمریکایی دیده می‌شود.

مردم رزمنده ایران، که در راه ریشه‌کن‌باختن سلطه امپریالیسم به سرکردگی امپریالیسم آمریکا ده‌ها هزار فرزندان فهیمان خود را شهید داده‌اند اکنون به حق از مجلس شورای اسلامی خود توقع دارند که با ترتیب محاکمه جدی و انقلابی جاسوسانی که به لباس مامورین سیاسی و کارمندان سفارت‌خانه آمریکا درآمده بودند، برده از روی جنایات چندین ساله امپریالیسم آمریکا در ایران بر دارد و این دولت تجاوزکار و سلطه‌جو را در عرصه جهانی بار دیگر افشا و رسوا سازد.

در این ارتباط همچنین شایسته است که مجلس شورای اسلامی ایران با تصویب قانونی دربارۀ استرداد همه اموالی که شاه سابق و بستگان جنایت‌کارش از ایران به غارت برده‌اند، دولت آینده را موظف به اقدام جدی در این زمینه بنماید. دولت ایران باید حساب همه خساراتی که طی سالیان دراز از جانب امپریالیسم آمریکا به میهن ما ایران و مردم آن وارد شده است، از دولت تجاوزکار و سلطه‌جو آمریکا طلب کند.

در زمینه دیگر مسائل خارجی و داخلی، البته مجلس شورای اسلامی، هم‌چنانکه رئیس مجلس نیز متذکر شده است، باید ببیند که مقامات اجرائی چه مسایل فوری دارند و کدامیک از گرفتاری‌های کشور باید سریع‌تر بررسی و رفع شود. از جمله این‌گونه مسائل، رئیس مجلس به ویژه به مسائلی نظیر مسئله مسکن، مسئله گرانی، مسئله بیکاری، مسئله زمین و غیره اشاره کرده‌اند. بی‌تردید همه این مسائل شمرده شده از جمله مسائل حاد و مبرمی است که حل صحیح انقلابی آنها باید در برنامه دولت آتی پیش‌بینی شود و پس از تصویب مجلس شورای اسلامی به سرعت پیاده گردد.

در عین حال یکی از مهمترین وظایف فوه مقننه همانا بررسی کلیه قوانین چاربانۀ و ظالمانه دوران طاغوت، لغو آنها و جانشین ساختن آنها است با قوانینی که در روح انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی ایران به رهبری امام خمینی بوده باشند، یعنی قوانینی که آموغ و آرزوها، منافع مادی و معنوی مستضعفان را در نظر گرفته و تأمین آنها را تضمین نموده باشند. این قوانین باید برای اجرای درست اصولی که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران پیش‌بینی شده، و به تصویب اکثریت قاطع مردم رسیده است، تدوین گردد، زیرا چنانکه واضح است، قانون اساسی اساس همه قوانین کشور و یکی از دستاوردهای مهم انقلاب شکوهمند ایران است، در این قانون اصول عمده و رئیس بنیادی که باید همه رشته‌های حیات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و نظامی کشور طبق آن اصول نوسازی شود، بازتاب یافته و صورت قانونی پیدا کرده است.

البته به طوری که رئیس مجلس و رئیس جمهور در اظهارات خود متذکر شده‌اند. شورای انقلاب در مدت این یک سال و نیم فعالیت خویش، قوانین بسیاری وضع و تصویب کرده است. اما، اولاً این قوانین، چنانکه زندگی روزانه کشور نشان می‌دهد، به هیچ وجه کافی نیستند. ثانیاً بسیاری از این قوانین به وسیله ارکان های اجرائی به درستی پیاده نمی‌شوند. ثالثاً دیده می‌شود که حتی بعضی ارکان های اجرائی با پیشنهاد تبصره‌ها و یا تفسیر و تعبیرهای خود قوانین موهبه شورای انقلاب را از روح انقلابی آن خالی می‌کنند و گاه در عمل درست در جهت عکس خواست قانون‌گذار پیاده می‌کنند.

اکنون وظیفه مجلس شورای اسلامی ایران است که به این نکات مهم نیز توجه لازم مبدول دارد و با رفع نارسائی‌ها، در هر ۳ مورد مذکور، نشان دهد که قادر است در راستای انقلاب شکوهمند ضد امپریالیستی و خلقی ایران به رهبری امام خمینی به نحوی قاطع و بی‌گیری و در جهت نوسازی بنیادی جامعه ایران به نفع طبقات مستضعف پیش رود.

### مسائل اساسی...

بقیه از صفحه ۱

وحتی عقاید مختلف از جانب شرکتکنندگان دریک انقلاب دانست، آنهم کسانی که مدعی جانبداری ازیک مکتب و مدعی پیروزی ازیک خط هستند.

وجود اختلاف نظروا اختلاف عقیده کاملاً بدیهی است و به هیچ وجه نمیتوان انتظار داشت که کلیه افراد و گروهها، پس از گذراندن یک مرحله تاریخی، برسررا هی که باید در پیش گرفت و چگونه در آن پیش رفت و بوجه و بایلی آنرا آغا زید و بیسه سرانجام رسانند، درست شبیه هم‌گفتار کنند و یک شیوه را به پیش‌قدمند و یکسان عمل کنند. در چنین مواقعی، بی‌شک پایگاه سیاسی و خاستگاه طبقاتی-موجود می‌شود که افراد و گروههایی راه خود را جدا کنند. ولی حال صحبت بر سر این است که افراد و شخصیت‌ها، نیروها و گروههایی که هم‌اکنون سرنوشت جمهوری اسلامی ایران را بدست دارند و قدرت‌ها که کم‌و-کم با پیروزی انقلاب بهر تقدیر اعمال می‌کنند، باید بتوانند در عین حفظ نظریات و افکار خود، در عین وجود اختلاف عقاید یکدیگر را بدیهی و موجه و قابل درک، آن نیرو و استعداد کشور را در خود پدید آورند، بر سر مهمترین و اساسی‌ترین مسائل انقلاب با یکدیگر توافق برسد و آنچه را که فرقی یا شخصی است، به کناری نهند.

سخن ما توافق بر سر مهمترین و اساسی‌ترین مسائل پیشرفت انقلاب و حفظ جمهوری اسلامی ایران از دستبرد دشمن است: توافق بر سر اصول، توافق بر خاظر انقلاب، تنها یک چنین تفاهمی برای مردم انقلابی ما قابل درک است و مورد خواست آنهاست. و این تفاهم و توافق، علیرغم اختلاف نظرها و عقیده‌ها و سبکها و سلیقه‌ها در همه مسائل دیگر، کاملاً ضروری و کاملاً ممکن است.

در شرایطی که کرد ها و آمریکا برای انقلاب ما بیش از همیشه و از تخفناک‌تر از همیشه دندان تیز کرده و از تمام عوامل و اسباب استفاده می‌کنند، تا به کشورهای ضربه زند و جمهوری را از پای در آورند، رسیدن به یک چنین توافقی یک ضرورت عینی رشد جامعه ما و یک شرط حیات‌تی‌نجات انقلاب و تحکیم جمهوری اسلامی ایران است.

پس از انقلاب، مردم با آن همه شور و بیگیری در فرارند مها شرکت کردند، خبرگان و نمایندگان مجلس و رئیس‌جمهور را برگزیدند و قانون اساسی را به تصویب رساندند تا زود تر به این ضرورت عینی پاسخ داده شود. و حال آنکه؟

به عقیده ما نیا ز جامعه انقلابی ما، سطح رشد آگاهی عموم مردم و جو سیاسی ناشی از خواست عمومی چنان است که مسائلی که درک واقعی برای حیات بخشیدن ساخت، یا حتی کوچکترین ضرورتی که مردم با آن همه شور و بیگیری در فرارند مها شرکت کردند، خبرگان و نمایندگان مجلس و رئیس‌جمهور را برگزیدند و قانون اساسی را به تصویب رساندند تا زود تر به این ضرورت عینی پاسخ داده شود. و حال آنکه؟

به عقیده ما نیا ز جامعه انقلابی ما، سطح رشد آگاهی عموم مردم و جو سیاسی ناشی از خواست عمومی چنان است که مسائلی که درک واقعی برای حیات بخشیدن ساخت، یا حتی کوچکترین ضرورتی که مردم با آن همه شور و بیگیری در فرارند مها شرکت کردند، خبرگان و نمایندگان مجلس و رئیس‌جمهور را برگزیدند و قانون اساسی را به تصویب رساندند تا زود تر به این ضرورت عینی پاسخ داده شود. و حال آنکه؟

### نامه مردم، بمناسبت عید فطر روز سه‌شنبه منتشر نمی‌شود

## اسرائیل - پایگاه توطئه و تجاوز امپریالیسم آمریکا در منطقه خاور میانه

نقش نیهگارانه اسرائیل در منطقه خاور میانه چیزی نیست که با تازگی داشته باشد، یا بر کسی پوشیده باشد، امام بارها بر روی این نقش ضد انسانی و ضد تمام کشورهای اسلامی و خلق‌های منطقه انگشت گذاشته‌اند. حجت‌الاسلام خامنه‌ای به درستی اسرائیل را یکی از مراکز عمده توطئه و تحریک امپریالیسم جهانی علیه مردم مستضعف خاور میانه خوانده‌اند. مطبوعات مترقی و انقلابی ما، و به خصوص نامه "مردم"، در افشا ماهیست دولت صهیونیستی اسرائیل، به مثابه پایگاه توطئه و تجاوز امپریالیسم آمریکا علیه کشورها و خلق‌های خاور میانه کوشیده و توطئه‌هایی را که در قلمرو حکومت اسرائیل علیه میهن انقلابی ما جریان داشته، فاش ساخته‌اند.

با توجه به همسایگی کاملاً نزدیک دولت صهیونیستی اسرائیل با مقامات امپریالیستی آمریکا و سازمان سیا، این مسئله کاملاً بدیهی است که مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا از مبارزه علیه دولت صهیونیستی اسرائیل جدا نیست و نمی‌تواند باشد. ولی نکته عمده‌ای که باید بدان توجه کامل معطوف داشت، اینست که آیا مبارزه با اسرائیل صرفاً یک مسئله جغرافیایی است و در چهار چوب سرزمینی که به آن اسرائیل گفته می‌شود، محدود می‌ماند؟

متأسفانه چنین نیست. وقتی صحبت از خطر اسرائیل برای انقلاب ایران و هر نهضت رهایی بخش در خاور میانه به میان می‌آید، نمی‌توان آن قدرت‌های ضدا سلامی را، که بر عده‌ای از کشورهای اسلامی حکومت می‌کنند، اما ماداً و معنماً در کنار دولت صهیونیستی اسرائیل و در خدمت امپریالیسم آمریکا علیه مبارزات نجات بخش قرار دارند، از نظر دور داشت و خط فاصلی بین آنها و دولت صهیونیستی اسرائیل و امپریالیسم جهانی به سرگردگی امپریالیسم آمریکا کشید. دولت سادات دولتی است که بر مسلمین مصر حکومت می‌کند ولی آن اسلامی که ملاک عمل آنست، اسلام راستین نیست، بلکه اسلام کارتر است. احکام اسلامی ملک خالد از این جهت برادر انور سادات، و ملک حسین پادشاه مغرب یار غار ملک خالد، و ملک حسین پادشاه اردن هم‌پالکی ملک خالد، و ضیاء‌الحق دستیار همه آنها، دشمن مردم زحمتکش کشورهای خود و همه خلق‌های عرب و دشمنان مسلمانان راستین در سراسر منطقه خاور میانه‌اند. تمام این‌ها علی‌رغم عنوان "دولت اسلامی" که یدک می‌کشند، در راستای خواست‌ها و نیازمندیهای امپریالیسم و صهیونیسم عمل می‌کنند. و تازه اینها چهره‌های کاملاً شناخته شده دولتی‌هایی هستند که هرگونه شرم و خجالتی را کنار گذاشته و آشکارا در کنار امپریالیسم، در کنار دولت صهیونیستی اسرائیل قرار گرفته‌اند. دولت‌های به ظاهر اسلامی دیگری هم هستند که خود را با دولت صهیونیستی اسرائیل ناسازگار به فلم می‌دهند، ولی در عمل در ردیف خیانت‌پیشه‌ترین دست‌نشانندگان امپریالیسم جهانی قرار دارند. بعضی‌های عراق از این زمره هستند. تا آنجا که پای حرف و ادعا باشد، گویا ضد دولت صهیونیستی اسرائیل هستند، اما در عمل به مثابه آلت جنایت امپریالیسم و صهیونیسم علیه انقلاب ایران عمل می‌کنند، و به منظور تقویت جنبه آزادی بخش فلسطین، تقویت جنبه پایبندی کوچکترین عمل مشتی انجام نمی‌دهند و برعکس تا آنجا که بتوانند در راه اجرای خواست‌های به حق آنها مانع ایجاد می‌کنند.

پاکستان یکی دیگر از کشورهایی است که به ظاهر دم از مبارزه علیه دولت صهیونیستی اسرائیل می‌زند، درحالی که خود آن آفریده دست امپریالیست‌هایی است که در خاور میانه با دست دیگر خود، یعنی اسرائیل عمل می‌کنند. پاکستان یکی از مراکز دیگر توطئه و تحریک امپریالیستی را تشکیل می‌دهد که از طرفی کوشش به فرمان ایالات متحده آمریکا است و از جانی دستش در دست دار و دسته حاکم بر کشور چین است، که امروز دیگر کوچکترین تردیدی در همکاری تام و تمام آن با قدرت‌های امپریالیستی و خاصه آمریکا باقی نیست.

### از کمک‌های رفقا

دوستان سپاسگزاریم

حسینی از بيجار ۵۰۰۰ ریال  
محسن یور از اصفهان ۵۰۰ ریال

رفقی عزیز، فرماندهی دوستان حزب و هرفشان ۱

ما میخواهیم مراد شده که در چندین سالگرد تأسیس حزب توده ایران راه غاف حزب برگزیده برای خریدن و رساندن خانه حزب به یک سال به نرته‌ها، پاکت خود را به این جنبش میسنگی رختی شرکت کنید. کمک مالی خود را به نام رتتوکر، شماره بانکی ۵۴۸، بانک ملت ایران (بانک تهران سابق) تابه ایرانیتر صالحی بپردازید.

توجه: (۱) پرداخت پول، بگذارید مشخصات فوق، به نام پیوسته ای بانک ملت ایران (بانک تهران سابق) میکنی است. (۲) کمک‌ها کننده که خواستند است فوکمی این بانک را به نام مدیران کمیته مرکزی، تهران، خیابان ۱۶ آذر، شماره ۸۸ ارسال دارند.

### رادیوهای ضد...

بقیه از صفحه ۱

همه آنها تنها در نتیجه برجیدن سلطه امپریالیسم در همه زمینه‌ها و حاکمیت سرمایه در همه رشته‌ها حاصل می‌شود. و البته اویسی‌ها و بالیزیان‌ها که پاساران امپریالیسم و سرمایه هستند در مخالف آن. این شکل ویژه کار بزرگ رادیوی جلاد خونخوار و قصاب بیرحمی چون اویسی یا بالیزیان، در تقسیم کار امپریالیستی هجوم تبلیغاتی تعیین شده است.

این دو رادیوی ضد انقلابی و سایر ایستگاه‌های ریز و درشتی که با پول آمریکا و با گویندگان خود فروخته، لوس و وقیح مثل فارچ می‌رویند و موسیقی نشاط انگیز (!) و اخبار هیجان انگیز (!) و تفسیرهای رقت انگیز (!) بخش می‌کنند، فقط به ظاهر با هم فرق دارند، ولی در واقع یکی هستند، فقط به ظاهر نراهای مختلف سر می‌دهند ولی در واقع عین هدفی‌ترند. همه آنها و بخصوص آن دو فرستنده اصلی ضد انقلابی متعلق به بختیار و اویسی از یک قماشند، دو آسی هستند که یک در شکه را می‌کنند، دو پای لنگی هستند که یک سیاست ضد ایرانی را اجرا می‌کنند. ارباب تقسیم وظیفه کرده است و حتی ابایی نداشته که "مفسر" و "گوینده" سرشناس (!) زمان محمدرضای خاثر را، که از طرفداران سینه‌جاک بختیار و مداح بی‌آبروی چند صباح حکومت خونریز او بود، اینک به مراد بوی اویسی-بالیزیان قرض بدهد.

مردم ایران خوب این عاملان امپریالیسم آمریکا و بساط ظلم و ستم را می‌شناسند. نه نقاب سوسیال دمکراسی جامعه آزاد (!) سک زرد کسی را فریب می‌دهد، نه ماسک امنیت و ثبات مرد قوی (!)

شغال. این هر دو یکی هستند. سرشان به یک آخور بند است.

کار امپریالیسم آمریکا و برنامه‌ریزان ضد انقلابی آن باید بسیار زار شده باشد که به چنین تقسیم وظیفه و نقشی برای فریب این یا آن گروه دست زده‌اند. مردم زحمتکش ما، "زاعه‌نشینان" ما، میلی گیج‌کننده را بر بنا کوش غارتگران آمریکایی و طاغوتیان وارد کرده‌اند و خوب می‌دانند که سرنوشت یک کرباسی با هم فرقی ندارد و حداقل آنکه از کرباسی ضرورت کف کردن لاشه امپریالیسم و طاغوت را به خاطر می‌آورند.

سائرباين، همان‌طور که امام خمینی بارها و به خصوصی طی پیام روز قدس خود اشاره کردند، ملاک برخورد‌ها و نحوه تلقی نیست به دوستان و دشمنان انقلاب ایران و با نهضت‌های رهایی بخش سراسر

## برای مقابله با تجاوز نظامی امپریالیسم آمریکا تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود

# حجت الاسلام رضوانی نماینده امام در پادگان نوژه: آمریکادست از توطئه بر نمی دارد و حالا هم دست اندر کار توطئه است

حجت الاسلام رضوانی، نماینده امام در پادگان نوژه، در یک گفتگوی رادویی، که در روز چهارشنبه ۵/۱۵ پخش گردید، نظر خود را راجع به توطئه کودتای آمریکایی بیان دانست. حجت الاسلام رضوانی گفت:

"من یقین دارم که با توجه به موضع خاص ضد آمریکایی انقلاب ایران، مخصوصا ضد آمریکایی آن، آمریکا که در رابطه با ایران و آن نقشه نظامی اش دچار یک شکست بسیار بزرگ جهانی شد و افتتاح بسیار بزرگی را استقبال کرد، دست از توطئه بر نمی دارد، و حالا هم دست اندر کار توطئه است. من فکر می کنم که چون کشور عراق، این صدام کثیف خود مزدوری است، از وجود این واز این که حکومتش در دست اضحلال است و ارتش او در دست منلاشی شدن، بخواهد این جا را بصورت یک منطقه ناامن درنیاورد، تا منطقه خودش از خطرهای احتمالی این منطقه محفوظ بماند. و آمریکا از این مجال و فرصت سوء استفاده می کند و چه بسا آمریکا با سوء استفاده از عراق و یا بعضی از این عوامل تحضاستعمار خود یک نقشههایی را پندار کند. ملت ایران باید همیشه آماده باشند و الان پرسنل پایگاه هم باید همیشه مهیا باشند و الان حتی در سخنرانی همین امروز ظهر، من به پرسنل اعلام کردم که صد درصد در هه وقت آماده باشند و هر زمان این احتمال را بدهند که دشمن در حال پیداه کردن نقشه است و اینها در صد ختنی کردن نقشه و توطئه باشند."

حجت الاسلام رضوانی در مورد توطئه طیس و ارتباط این توطئه با توطئه پایگاه نوژه گفت:

"کارهای آمریکا یک کارهای زنجیرهای است. ما دیدیم که در توطئه طیس هم دست خائنین ارتش در کار بود. ما در جریان طیس، برنامه مهرباد و غیره را فراموش نمی کنیم. ما متاسفیم که چرا هنوز هم شادیم مانده است. ما متاسفیم که چرا باقری را هنوز نگه داشته اند. و حتی از باقری دفاع می شود. من اعتقاد این است که در قضیه طیس، که توانستند از خائنین در ارتش سوء استفاده کنند و در این قضیه هم توانستند به این علت که در قضیه طیس خائنین تعقیب نشدند و ماندند، آنها جرات و جسارت پیدا کردند. حالا که در مملکت هیچ خبری نیست، پس ما انجام بدهیم. این قضیه دوم نتیجه جرات قضیه اول بود. در قضیه اول کدام عامل دستگیر شد؟ چرا عامل بمب باران آن هلیکوپترها، چرا عامل قتل آن پاسدار تعقیب نشدند؟ چرا مردم را در جریان این مسایل قرار ندادند. اعتقاد من این است که ایران زمان شاه را، که همه در رابطه با خیانت به مملکت امیر شدند، این امیرها را کنار بگذارند. این امیرها خدمت نخواهند کرد. اگر خیانت نکنند مزدورند. حالا مزدور خوبیاند، اگر مزدور بیگانه نباشند. من اعتقاد این است که این امیرها را بردارند. این امیرها هیچکدام آن ها خدمتی به این مملکت نخواهند کرد."

س- در مورد واقعه طیس آیا رخ دادهایی در این پایگاه بوجود آمد که نشان دهنده جریان با آن واقعه باشد؟

حجت الاسلام رضوانی: "بله، حتی یک زنی که ما چقدر گفتم که او را تعقیب کنند و تعقیب هم نکردند، گفته بود: "من ید، خوابی دیده ام و خوابم این است که تا روز جمعه انقلاب ایران شکست می خورد" و به تعبیر او: "خمینی هم از بین می رود و شاهنشاه هم تشریف می آورند و اگر هم اینطور نشد، دست من را قطع کنید". البته تا به حال دستش قطع نشده و از رادار هم مطالبی گرفته شده بود، که آن مطالب بیانگر این بود که نقشه هایی در دست اجراست، توطئههایی در دست انجام است. اما اینها چون رابطهای نداشتند، نمی توانستند بفهمند که این مسایل و این قضایا در چه رابطهای مطرح می شود و در خود پایگاه هم گفتگوهایی هم بود که: "بیله می آید" و یا "اگر این حکومت آخوندها پایان نپذیرفت."

یکی از برنامههایی که برای اجرای این توطئه می کردند این بود که من از پایگاه بروم بیرون ویکی از کسانی که نقش موثر داشتند تیمسار باقری بود. و این دلیل بر اینست که تیمسار باقری دارای نقش مهمی در بوجود آوردن این توطئه بوده. من نمی دانم چرا هنوز هم هست و ازو حمایت می شود."

س- در مورد عواملی که در این جا اشاره فرمودید، در این پایگاه، آیا اینها شناخته شده اند یا نه؟

حجت الاسلام رضوانی: "البته این کسانی که

امیر گفتند، آن زنه هستند، ولی پیش اهمیت ندادند. البته باید بگویم که این شوهرش یک استواری بود که در رژیم گذشته بخاطر خانمش ۲ تا ۳ تا گماشته داشتند، که حالا اینها همه چیز را از دست دادند. یک استوار، جای این سوال نبوده که چرا یک استوار خانمش فقط یک دوزنگی داشته. مثلا ۲ تا ۳ تا گماشته داشته باشد. همان خانم گفته این خواب را دیدم. نه، آن خانم را هم تعقیب نکردند. ما به بالا هم گفتمیم به پایین هم گفتمیم. به مقامات مسئول، که حالا بعضیها را هم اسم نمی برم، گفتمیم. خدا ملت را از خیانت آنها حفظ کند."

س- آیا در جریان این توطئه دلایل و شواهدی به دست شما رسیده که بیانگر همکاری بعضی از افراد و شخصتهای نظامی و غیر نظامی، که هنوز هم بعضیشان در مصدر امور هستند، بوده باشد؟

حجت الاسلام رضوانی: "با توجه به اینکه بختیار یک فردی بود که ادعای ملی گری می کرد واز جبهه ملی هم انتخاب شده بود و آنها یکی از روسای این توطئه بوده و کسانی هم که دم از ملی گرای و ناسیونالیستی می زدند دست اندر کار این توطئه بودند، اینطور استنباط می شود که بله اینها روابطی داشتند و به اضافه همه اینها یعنی که دست اندر کار این برنامه قرار گرفتند، اینها در رابطه با تایید تیمسار باقری بودند و خواسته های آن را می خواستند. و اینطور استنباط می شود که تیمسار باقری از این مسئله بی خبر نبوده با توجه به اینکه من یکی از نامههایی را که تیمسار باقری امضا کرده بود، از طرف تیمسار شادیم بود، کلیه افرادی که در سازمان ضداطلاعات کار می کردند، که یکی از آنها که اسمش "قابرساری" بود، که یکی از زشت ترین چهره های ضداطلاعات و خیانتکار به اسلام بود و به انقلاب بود، اینها برگردند این طور استنباط می شود که برگشتن آنها از طرف تیمسار باقری و شادیم هم، خودش یک نقشه کاملا حساب شده بوده که اینها برگردند و در مورد برگشتن اینها حتی نوشته بود که به کار عودت داده شوند، یعنی اول همان کارشان را انجام دهند، خوب اینها نشانگر آنست که اینها می خواستند یک برنامه را پیاده کنند و دست اندر کار بودند. همین افسرانی که اینجا بودند، مورد تایید باقری بودند و اینها هم از باقری تایید می کردند و در جریان مخالفت با روحانیت و اینها، اینها نقش داشتند و در جهت انقلاب اسلامی هم اینها یک قدم به نفع بر نداشتند و با اضافه بعضی از فرماندهان هم مثلا در زمان این سرهنگ صفری، من مرتب راجع به اینها می گفتم، این بعضی که حالا اسمشان را نمی برم، چون هنوز دستگیر نشده اند و قرار است دستگیر بشوند، مرتب می گفتم اینها را بگیرد، اینها اخراج شده اند، چرا از اینجایی بیرون نمی کنید؟ و من احتمال زیاد می دهم اگر در جریان طریقات دیگر، مثلا زمانی که در تبریز آن قضیه اتفاق افتاد، مال خلق سلمان، همان موقع که توی این پایگاه اعلام شد که من اعتراض کردم و این قضایا دنبال می شد، به این جا ختم نمی شد و اگر این قضیه را هم بخواهند کوتاه بگیرند، سخت نگیرند، باز هم سر از توطئه های بزرگتری درخواهد آورد."

س- شما این کوتاه گرفتن و نرسیدن به این موارد را دقیقا می توانید برای ما توضیح دهید، علتش را چه می دانید؟ و باعث این کار را در کجا می دانید؟

حجت الاسلام رضوانی: "من علت این کار را وجود بعضی از این امیران خائن می دانم و که آمدن اینها بر سر کار و اخراج نکردن آن عناصر قاسدی که در بین پرسنل مختلف، حالا چه افسرها و چه دیگران، اینها باید اخراج می شدند و خواسته بودند که اخراج بشوند، اخراج نشدند، اخراج شده ها را برگرداندند و آن بالا هم آنها طوری توانستند نقش پیاده کنند که مورد تایید بعضی از مسئولین مملکت قرار بگیرند و چون بعضی از ارتش ایران را، در بین آنها هم نیستند که وضع آنها را بدانند، اینها را مورد تایید قرار می دهند، کار بدین جا منتهی می شود."

س- این مسئولینی که شما بهشون اشاره کردید، آیا شما این مطالب را به اطلاع آنها هم رساندید؟

حجت الاسلام رضوانی: "ما به سلسله مراتب این مطالب می گفتمیم"

س- از نظر شما چرا اقدامی نمی کنند؟

حجت الاسلام رضوانی: "سرفا سهل انگاری و شاید باور نکردن به انقلاب برای بعضی از آن سرمدارها. البته نه مسئولینی که الان مسئولین مهم مملکتی هستند، چون آنها احساس مسئولیت می کنند، ولی شاید خوش باور باشند."

س- خلی متشکر از این توضیحاتتان. در آخر می خواستم از شما بیروم اگر اطلاع دارید درباره انگیزه و دلیلی که باعث شد این افراد توطئه گر در این توطئه شرکت کنند، برای ما توضیحاتی بفرمایید؟

حجت الاسلام رضوانی: "علت اساسی اش این بود که اینها از انقلاب اسلامی ایران ضربه بسیار مهمی خورده بودند، خیلی از امتیازاتشان را مانند داشتن گماشته و عیاشی و بی بندوباری و فساد و نهای، و اینها این امتیازاتی را که آنها برای خودشان امتیاز فرض می کردند، از دست دادند. و اینها برای باز یافتن یک چنان آزادی در بی بند و باری دست اندر کار تلاش هستند، از اینکه در جمهوری اسلامی بخواهند افرادی منز و پاک باشند رنج می برند، از اینکه آزادی برای عیاشی و کباباره. اینها عکسهایی از همین افسران دستگیر شده هست که با زنهایشان قتل در این باشگاهها چه می کردند. هنوز عکسهایشان را ما داریم. ماسک می زدند و همه مرد و زن درهم می ریختند و همه از هم استفاده های نامشروع می کردند. اینها را از دست دادند. ناراحتند. حالا یک برنامه پیش می آید که احتمال می دهند و یا یقین دارند که اگر یک برنامه آن چنانی پیش بیاید، در آن برنامه این بی بند و باریها تامین می شود و آنها هم در بی بی بند و باری شرکت می کنند."

س- با در نظر گرفتن این مطالب که اکثر این افرادی که در این توطئه شرکت داشتند تا قبل از توطئه مصادر اموری بودند و انجام وظیفه می کردند به ظاهر برای جمهوری اسلامی و با توجه به این مطلب که اینها در سالیان دراز زیرافکار شاهنشاهی و طاغوتی بودند، آیا شما چه پیشهائی می کنید برای ساخت دوباره این افراد؟ و یا بازسازی ارتشمان؟

حجت الاسلام رضوانی: "من اعتقاد بر این است که ارتش از نظر مکتبی باید رویش بسیار کار شود. باید در بین پرسنل مختلف نیروهای مسلح اطلاعاتی توجهی از نظر انقلاب بگذارند. اینها هنوز انقلاب را نمی فهمند. اینها در آغوش امواج انقلاب قرار گرفتند. بعضی تسلیم شدند با رضایت، بعضی تسلیم شدند با زور، بعضی ناچار شدند به تسلیم. و اینها بسیاریشان انقلاب را باور نکردند، و اگر انقلاب را قبول کردند، انقلاب را نشناختند. باید از نظر مکتبی کار زیادی بشود و عناصر فاسد ارتش هم تصفیه بشود، یعنی ارتش درش تصفیه خیلی صورت بگیرد و ملاحظه این نکند افرادی که متخصصند حالا قاسد هم باید باشند. برای این که اینطور نیست که بعضی از کارها طوری باشد که از عهده دیگری بر نیاید. و اگر چنین افرادی را هم بخواهند نگه دارند، باید روی دست آنها مراقب بگذارند و اگر تصفیه، از طرفی تصفیه آگاهانه، تصفیه حساب شده، با همه آینه نگریش انجام بگیرد و از نظر مکتبی هم روی ارتشها کار شود، در بازسازی ارتش نقش بسیار موثری دارد. و با اضافه این لازمه اش اینست که نهادهای رژیم طاغوتی را، که بر مبنای تبعیض هست، در ارتش و تبعیض در حد فراوانی در ارتش هست، این را از بین ببرند. الان در ارتش ما هم گروه گرایی پیدا شده، هم تبعیض. اگر مکتب اسلام را، آن گونه که هست، پیاده کنند و اختلافاتی را که در بین برداشتهای سران این قوم هست از بین ببرند، یک ارتش مکتبی از سویی بسازند، مسئولین هم کار کنند تا ایجاد بدبینی در بین ارتشیها نشود و نهادهای طاغوتی را از بین ببرند و تبعیض را، تبعیض را که از همه چیز مهمتره از بین ببرند، این ارتش بازسازی خواهد شد و در خدمت اسلام و ایران خواهد بود."

س- از نظر شما، آیا تا زمانی که این ارتش به این ترتیب که شما فرمودید، یعنی بازسازی مکتبی و منسب تصور تصفیهها، تا زمانی که این تصفیهها صورت نگرفته، آیا می توان تکیه کرد به این ارتش؟

حجت الاسلام رضوانی: "من اعتقاد بر اینست که بر کل ارتش نباید تکیه کرد، اما ما موتمنیم که نیروهای انقلابی در ارتش حافظ منافع این مملکت خواهند بود."

## تشدید گرایشهای فاشیستی در اسرائیل

کمیته مرکزی حزب کمونیست اسرائیل جندی پیش هشدار داد که، نشانه های جدی گرایش های فاشیستی اسرائیل را تهدید می کند و همه احزاب گاری و نیروهای سیاسی آزادی خواه و ملحدوست آن کشور را فراخواند، تا با اتحاد عمل خود، در راه پیشگیری از خطر فاشیسم کوشا باشند. قطعنامه سیاسی پلنوم فوق العاده کمیته مرکزی حزب کمونیست اسرائیل، که از جمله فراخوان تا مبرده را در بر می گیرد، می فرماید:

رژیم اسرائیل، بویژه دولت لیکود، که نماینده بورژوازی بزرگ و افراطیون راستگراست، کشور ما را در بحران اقتصادی و اجتماعی ژرف غرق کرده است. در حالیکه قشرهای وسیع زحمتکشان هرچه بیشتر در فقر و فلاکت زندگی می گذرانند سرمایه داران داخلی و خارجی به سود هنگفت خود می افزایند. از سوی دیگر، آزادی های دمکراتیک هر روز معدودتر می گردد.

رژیم لیکود، برای آنکه به اشغال مناطق عرب نشین ادامه دهد، هرچه بیشتر به روشهای وحشیانه دست می یازد. برای نمونه، میتوان از برقراری حکومت نظامی، منع عبور و مرور، معازات گروهی، تبعید فلسطینی های نامدار، و بی سران کردن خانه ها، توقیف اعمالی بیون دانس، آموز، دانشجو، کارگر و حتی کارفرما، نام برد.

در بر تو حمله بیت نیروهای اشغالگر و دولت بکن، باندهای فاشیستی به ارباب سکنه فلسطینی می پردازند و آنها را به بیرون راندن از سرزمین با اجساد دستان تهدید می کنند. سوء قصد به شهرداران نابالو و رمله و لیره از دیگر دسیسه های جنایت کارانه این عناصر بود.

سیاست توسل به قهر هرچه بیشتر به داخل اسرائیل نیز سرایت می کند. روزی نمی گذرد که در دانتنگاهای اسرائیل، عناصر مشرویینیت و تروریست به اعراب و دانشجویان یهودی مترقی حمله و رشوند. در رسانه های گروهی اسرائیل از مینح نسا شب شهردارهای دمکرات و شخصتهای اقلیت فلسطینی - عربی را، که هرچه باشد ۱۶ درصد سکنه اسرائیل را تشکیل می دهد، به باد دشنام می گیرند. چندی است که مسئولان حزب کمونیست اسرائیل و اسرائیلی های مترقی بار دیگر دچار تضییقات و محدودیتهای گوناگون، از جمله منع سفر، بازداشت و مراقبت پلیس می شوند. کمونیستها، شخصیت های مترقی نما پندگان کشت، وکلای مدافع و روزنامه نگاران را که به انتقاد از رژیم اشغالگر می پردازند، از سوی باندهای تروریستی - فاشیستی با صلح مخفی به بمب گذاری ضرب و شتم و حتی مرگ تهدید می گردند. چندی پیش یکی از این گروههای اوباش به دفتر حزب ملی، یکی از احزاب چپ اسرائیل، در تل آویو هجوم برد، آنرا ویران ساخت و درودیدوارا به شاعرهای فاشیستی آلوده کرد.

قطعنامه پلنوم بیستم کمیته مرکزی حزب کمونیست اسرائیل گفته شارون، وزیر کشاورزی، را یادآور می شود که، برای اوا مکتب برتر از قانون اساسی است. این گستاخی حتی معاون نخست وزیر و مدیر حزب لیبرال، سیمچا رلیش، را به واکنش وادار کرد. وی گفت که بدین ترتیب باید بییم آن را داشت که مسادا ژنرال شارون و عواضات بزودی مخالفان سیاسی و از جمله خود او را نیز به اردوگاه های فاشیستی میاندازند.

کمیته مرکزی حزب کمونیست اسرائیل تصریح می کند که با بد متحد و بیگانه به یکبار علیه فاشیسم بیاخاست. بموجب ارزیابی حزب کمونیست اسرائیل، پایگاه دولت لیکود در میان مردم اسرائیل هرچه بیشتر محدود میشود و هر روز گروه بزرگتری از مردم از خواست حزب کمونیست، مبنی بر کنار گیری دولت فدکا گری و جنگ افروزیکن، پشتیبانی می کنند. عامل نامبرده و افراد فراینده رژیم لیکود در معنه بین المللی چشم انداز نویدبخشی را برای مبارزه در راه اسرائیلی صلح جو و دمکراتیک پدید می آورد.

**اجرای فوری اصل قانون اساسی در مورد ملی کردن بازرگانی خارجی و ایجاد بخش دولتی در توزیع فرآورده های مورد مصرف همگانی، بگانه راه برای کنترل قیمتها و جلوگیری از غارت سرمایه داران بزرگ که دلالت و محتکران است**

### فردی که خود را انقلابی می نامد، با وجدان اجتماعی خود اتمام حجت میکند

#### انقلابی بودن یعنی: اجرای وظیفه، نه کسب غنیمت و معامله گری

کامرخی بانگرانی از ما می پرسند: "آیا انقلاب ایران به پیروزی نهایی دست می یابد؟" "آیا انقلابیون توده ای را - اگر از جنگ ضدانقلاب برهند - متحدین ناپیکر آنها در انقلاب تهدید نمی کنند؟"

به این سؤالات تنها عالمان به غیب می توانند پاسخ قطعی مثبت یا منفی بدهند.

قاعدتا برای فرد انقلابی این مطلب - یعنی شکست یا پیروزی شخصی و حزبی و حتی نهضت - نباید جای اول را، بعنوان مبنای تصمیم گیری سیاسی و حیاتی، داشته باشد. البته برای همه انسانها عواطفی از قبیل "نگرانی در مورد سرنوشت" "شوق پیروزی" "کراهت از شکست"، "بیم از خدعه" حالات طبیعی است و همیشه در تاریخ بوده است و خواهد بود. ولی انقلابیون واقعی و آرمان پرست مسئله "اجرا و وظیفه" انسانی و انقلابی را بالاتر از همه آنها می گذارند، یعنی برداشت آنها از جای دیگری است.

معنی این سخن چیست؟ معنی این سخن این است که فرد انقلابی، که واقعا شوقیه یک آرمان بزرگ و انسانی است، پیش از اینها در صراط مبارزه، با خود اتمام حجت می کند و به خود می گوید:

"من طرفدار تحول مثبت و بنیادی وضع موجود هستم و تسلط غارتگرانه مملکتی بر ملت دیگر و بهره کشی طبقاتی از طبقات دیگر و جهالت و محرومیت مادی و معنوی توده ها را امری غلط و غیر عادلانه و ضد بشری می دانم و بر آنم که سکوت در مقابل این ستمهای اجتماعی، نوعی کمک به توفیق و دوام ستمگری است، لذا وظیفه انسانی و ایرانی خویش می شمردم که علیه ستمی که از خارج و داخل بر خلق من و بر توده های زحمتکش کشور اعمال می شود، علی رغم خطراتی که از عمل من ناشی خواهد شد، برخیزم. میدانم که همه کسانی که درینقا: این وضع دیمدخل و دیملانته هستند، خیزش و پیکار را تحمل نخواهند کرد و به آن پاسخی که در خورد اخلاقیات راهزانه و ستمگرانه آنهاست خواهند داد و مصلحت بقا سبادت و بهره کشی خود را حتی در محو جسمی رزمندگانی مانند من می شمردند، ولی من ترجیح میدهم که در نبرد بخاطر تکامل جامعه بشری و پیشرفت فرهنگی کشور مردم ایران و خلقهای اسیر جهان به شهادت بروم، تا آنکه با خواری و سکوت و اطاعت و عملا خیانت به هموطن و شرکت در غارتگری و ستمگری به "زندگی" خود ادامه دهم، تا چند صباحی بیشتر زیسته باشم."

این اتمام حجت، این پیمان با خویش و سپس حفظ وفاداری به عهد و به آرمان، علی رغم هر چه پیش آید (از قسوت و خدعه دشمن گرفته تا ستم عهده دوست)، جوهر انسان بودن و انقلابی بودن است. یک انقلابی که در تکامل صفات و سجایای خود به آنجا رسید، دیگر برایش چگونگی پایان نبرد چندان تقاضای ندارد: اگر پیروز شود، (که البته باید با تمام نیرو بخاطر آن مبارزه کند) بسیار خوش است و شادمان است. ولی اگر شکست بخورد و یا حتی در خطر نابودی قرار گیرد، تعجبی نمی کند. می داند که مبارزه و انقلاب کار بازی نبود و نیست و ضدانقلاب جلی و خفی نسبت به انقلابیون اصیل و پیکر، ترجیحی ندارد. اگر ترجم داشت که اسمش ضدانقلاب نبود! در نبردهای قطعی تاریخ حلوا قسمت نمی کنند. جنگ طبقاتی مانند جنگ نظامی دارای احتمال فتح و شکست و تلفات است. لذا انقلابی بودن با معامله گری فرق دارد. اگر کسی بگوید من برخی "زحمات" و "خطرات" کوچک و متوسط مبارزه را می پذیرم، بشرطی که... آری بشرطی که یک پیروزی بزرگ برای من مدد در صد تضمین شود، این شخص تنها معامله گراست و انقلابی نیست. عرض خود می برد و زحمت ما میدارد. چنین کسی بهتر است به صحنه نیاید و در گوشه های خود را حفظ کند. به قول مولوی:

"سره سر بر کن قدح را، موی را کنجامه شده وانکه زمین میدان برترسد، گویند در خانه باش!" البته هر فرد انقلابی به پیروزی علاقمند است و باید هم علاقمند باشد، و درست پیروزی عمل می کند و باید هم عمل کند. انقلابی بودن شکست پرستی و "زیبامردن" و "شهادت بخاطر شهادت" نیست. ما انقلابیون طراز نوین زندگی را با تمام نیرو روان نمود دوست می داریم و آنرا بالاترین و مهمترین نعمت می شماریم و طرفدار سیاست بازیهای قمار آمیز و ماجراجوییهای کودکان نیستیم. ما شجاعت انقلابی را با حد اکثر دقت و احتیاط،

### معادن سنگ شیراز فرهادهایی که دل کوه را به عشق لقمه ای نان می شکافند



در مورد خودش می گوید:

"من خوش نشین و ساکن روستای کفتک هستم. چهار سال است که در این معادن کار می کنم و کوه را می کنم. این کار خیلی مشکل است. از ظهر به بعد آفتاب پدیمان را در می آورد. گرمای اینجا نزدیک های ظهر آتش جهنم بدتر است. اگر دولت به من زمین بدهد، یک دقیقه نیز اینجا نمی مانم. در زیر آفتاب کار می کنیم و هر کدایمان روزی یک سطل بزرگ آب می خوریم. از طلوع تا غروب آفتاب کار می کنیم. بابت هر ماشین سنگ ۲۰ تومان مزد می گیریم. روزانه اگر کار روخ داشته باشد، ۷ ماشین روزهای کسادی، ۳ تا ۴ ماشین سنگ تحویل می دهیم. از این ۲۰ تومان باید ۱۰ تومان پول با روت سیاه برای منفر کردن کوه بدهیم. در ازای هر ماشین سنگ برای ما ۱۰ تومان میماند ما در اینجا از هیچ مزایایی برخوردار

به فاله، دو کیلومتری جاده کفتک (شیراز)، در دل کوه، کارگران با ابتدایی ترین وسایل کوه را منفر می کنند و سنگها را به صورت قطعات کوچک در می آورند. این سنگها به شهر حمل می شوند، تا در زیربناهای ساختمان مورد استفاده قرار گیرند.

در این منطقه ۶ معدن سنگ وجود دارد. بزرگترین معدن این منطقه در مالکیت برادر ایزدی (وزیر کشاورزی دولت موقت) است و بوسیله نماینده و اداره می شود. ایزدی در کنار معدن مقدار وسیعی زمین کشتا و رزی، یک باغ بزرگ و یک ویلا دارد. یکی دیگر از معادن، که از نظر رونق هم سطح معدن ایزدی است، در مالکیت یک تاجر بزرگ میدان میسوه است. چهار معدن دیگر متعلق به خرده مالکان روستاهای اطراف است. در این معادن بین ۶ تا ۱۲ نفر کارگر کوه کن کار می کنند.

این معادن، که در دل کوه قرار دارند، در محدوده زمینهای کشتا و رزی مالکان و خرده مالکان هستند. مالکین برای استفاده از سنگ این کوهها، هر کدام با توجه به قدرت مالی اش یک یا چند دستگاه کمپرسورها خریداری کرده اند و با استفاده از نیروی کار خوش نشینان روستاهای اطراف از سنگهای کوه استفاده می کنند.

در تمام معادن این منطقه، کارگران بگونه مشابهی استثمار می شوند. برای بیان بخش کوچکی از وضع اسفنا را این کارگران، به یکی از معادن می رویم و به در دل کارگران گوش می کنیم. این معدن متعلق به یکی از خرده مالکان روستای مجاور است. در این معدن ۸ نفر کارگر با روت سیاه کوه را منفر می کنند و سنگها را آماده حمل می کنند. با یکی از کارگران، که پیر مرد سیه چرده ای است صحبت می کنیم.

با حد اکثر محاسبه دقیق بود پیروزی، همراه می کنیم و در مبارزه بجان و امنیت مبارزان ارج می گذاریم. این دوجت، به نظر ما، نه فقط متناقض نیست، بلکه مکمل یکدیگر است.

بزرگترین انقلابیون جهان بدون محاسبه پیروزی فردی، ولی دقیقا و کاملا در جهت پیروزی جنش عمل کرده اند. برخی از آنها ابد رنگ پیروزی را ندیدند. ما در جریان مبارزات خود می توانیم از حیدر عموغلی، ارانی، فریدون ابراهیمی، سایمک، روزبه، تیزی، توج حیدری و هزارها شهید دیگر نام ببریم. در کوههای دیگر انقلابی، اعم از مسلمانان مبارز یا غیر از آن، نرزمینان از هزاران شهید نام برد. این شهیدان استعمار و استبداد از آن اندازه پیروزی کما کتون نصیب ما شده، نیز بهره ای نداشتند. آنها زمانی زندگی جوان و شوکان خود را فدا کردند، که رضایه لوی با محمد رضایه لوی و دستگاه جهنمی تضییق و فشار آنها، با پشتیبانی امپریالیسم، ما نهایت قدرت و طنطنه و تعریف و اطمینان بخود بر تخت فرمانروایی نشسته بودند. ما لاقل سقوط ننکین این دو طاغوت استعمار پرورد را به چشم خود دیدیم. به قول شاعر:

دمی آب خوردن پس از بدسگال به از عمر افتاد، هشتاد سال عرب می گوید: "عن طیب الحیوه، ان تری موت العداة"، یعنی از زیباییهای زندگی دیدن زوال دشمنان است. البته بشرطی که دشمن شخصی نباشد، بلکه دشمن خلق باشد، زیرا انقلابی از "انتقام جویی شخصی" دور است. انقلابی به احدی کینه شخصی ندارد و نسبت به عواطف مثبت و منفی شخصی خود اگرازم باشد، گذشت های بزرگ می کند.

آری، نسل انقلابیون امروزی پیروزیهای بزرگی را دیده اند. هنوز البته رشته پیروزیها ناقص است و تا سقوط قطعی امپریالیسم در جهان باید ادامه یابد. ولی، در این نبرد طولانی و خونین، مسلم است که همه سربازان آزادی و استقلال و عدالت، از جنگ زهرآگین دشمن زخم خورده، کین جو و خشمناک، نخواهند رست. لذا مبارزه با محاسبه تلفات و خطر هاشکستها، بناگزی باید همراه باشد.

آری، میتوان با اطمینان صد درصد پیروزی نهایی بشریت بر امپریالیسم را در آینده ای، که آنهم آنسوی کوهها نیست، وعده داد، ولی برای این پیروزی شرط و وقت و شکل نمی توان معین کرد. و انقلابی کسی نیست که عطردلاویز پیروزی را بشنود، ولی خطرات نبرد بخاطر آن را نبیند. انقلابی کسی است که با مبارزه، فداکارانه خود این پیروزی را هر چه نزدیکتر و هر چه مطمئن تر می کند.

باید بدون چانه زدن درباره کم و زیاد کار، با پاکبازی و جان در کفی برزگوارانه انقلابیون واقعی و آرمان دوست، در صحنه های نبرد کام گذاریم و همیشه و همجا در خط مقدم باشیم. حزب ما ربه رزمهای دشوار فرامی خواند. بد نهدی حزب خود گوش فرادهیم!

نیستیم. هر روز کار کردیم، حقوق داریم. (نه تعطیلی، نه مرخصی و نه بیمه و...) اطلاعات را به حساب نمی آورند. هنگام متفر کردن با روت با دا دوفریا دبه کارگران خبر میدهم. اگر کسی زخمی شود، در این اطراف در مانگاه نیست و باید زخمی را به شهر ببریم.

ما صاحب معدن از هر ماشین سنگ ۴۰ تا ۵۰ تومان از صاحب ماشین پول می گیریم. ۲۰ تومان آنرا به کارگر کوه کن می دهیم. ۵ تومان آنرا نیز عوارض می دهد. کارگران مدعی بودند:

"کارفرما دروغ می گوید، و این ۵ تومان را از مزد ما کم می کند و خودش برمی دارد. صاحب ماشین نیز سنگ را بطور متناوب بین ۱۵۰ تا ۱۷۰ تومان می فروشد. هر ماشین در معدن، دو نفر کارگر دارد که سنگ را با ماشین می کنند. هر کدام از کارگران روزانه ۱۰۰ تومان مزد می گیرند و از ساعت ۸ صبح تا ۶ بعدا ظهر کار می کنند. این کارگران نیز با صاحبان معدن کارگرانی که کوه کن از هیچ مزایایی برخوردار نیستند، کار آنها بهر آنست که ترا کارگران کوه کن است، روزانه بطور متوسط ۱۶ بار ماشین را بار می کنند.

تمام کارگران این معادن را خوش نشینان روستاهای اطراف جاده کفتک تشکیل می دهند. بدون استثنا آرزوی تمام آنها تقسیم زمینهای مالکان و برداشتن بکار کشاورزی است. تمام کارگران از گرانی و کمبود کالاهای مورد نیازشان هستند. یکی از کارگران در این مورد می گوید: "ما در این کوه از کوه کار می کنیم و از هیچ جا خبر نداریم و همه چیز را از ترا شهر می خریم. در محل کار مهم ترین کالای مورد نیاز ما سیگار است. در زیر آفتاب کار می کنیم و اگر کسی رنکیم، سرکیجه می گیریم، ولی الان سیگار نیست و یا خیلی گران است. درده هم هیچ چیز نیست. روغن و برنج و تایدیا نیست و یا خیلی گران است. روستایها همه چیز را از شهر تهیه می کنند. ولی ما نمی توانیم کار را تعطیل کنیم و شهر برویم، زیرا ما این همه کار کردن زندگی ما به سختی می گذراند و نمی توانیم کار را تعطیل کنیم."

## کشورهای امپریالیستی

### تکیه گاه نژاد پرستان افریقای جنوبی

کرد که جمهوری فدرال آلمان در سال گذشته به "بزرگترین اعتبار دهنده و یکی از مهم ترین شرکای تجاری افریقای جنوبی" تبدیل شد. از ۵/۵ میلیارد دلار اعتباری که در سالهای ۵۷-۱۳۵۸، کشورهای غربی به افریقای جنوبی دادند، بیش از ۲/۴ میلیارد دلار از جمهوری فدرال آلمان سرچشمه می گرفت. همین روزها، رژیم نژاد پرستان افریقای جنوبی از بانکهای آلمان غربی قرضه ای به مبلغ ۱۲۰ میلیون مارک دریافت داشت.

حجم بازرگانی کشورهای "جامعه اروپا" و دولت آنها تا رسیدن به ۱۰ میلیارد دلار در سال رسیده است. در سال گذشته، جمهوری فدرال آلمان بزرگترین صادر کننده کالا به افریقای جنوبی بود. بریتانیا، ایالات متحده آمریکا و ژاپن در مراتب بعد قرار داشتند. بگفته رادویو افریقای جنوبی بازرگانی چین با رژیم نژاد پرستان آلمان تاکنون "سالانه ۳۷/۵ درصد افزایش یافته است."

سالهاست که بازرگانی خارجی کشورهای امپریالیستی دیگر تنها منحصر به مواد خام و ماشین آلات نیست، بلکه همچنین جنگ افزار را در بر می گیرد. بنوشته روزنامه "نیو یورکر"، مهم ترین این کشورها عبارتند از: ایالات متحده آمریکا، بریتانیا، جمهوری فدرال آلمان، فرانسه، ایتالیا و اسرائیل.

دو نیمین بوت با کشتار میهن پرستان افریقای جنوبی، پول بجهت شرکت های چند ملیتی سرازیر می کنند. دستکی و تفاق در بین اعضاء یک خانواده نیز خود داری نگرداند، به نحوی که حتی برادر را در مقابل برادر به دعوا و دعوای خود کشانده اند. این یک شیوه رذیلتانه بزرگ مالکان است که در این اواخر خیلی باب شده و دهقانان باید کاملا هشیار باشند. تاهنگامی که قانون اصلاحات ارضی به اجرا گذاشته نشود، مالکین بزرگ همچنان به توطئه های خود علیه کشاورزان ادامه خواهند داد. به اجرا گذاردن فوری و قاطعانه قانون اصلاحات ارضی واقعی و خلق یک ایزرک مالکان خواست همه دهقانان میهنان اعم از زمین و کم زمین است.

### بزرگ مالکان در میان دهقانان

«برسیان بر آن» تفاق می اندازند ده "برسیان بر آن" در ۳۵۰ کیلومتری جنوب شرقی افغان واقع شده است. در این ده، بزرگ مالکن ۱۸۰۰ جریب و سایر روستائیان رویم در حدود ۸۵۰ جریب زمین در اختیار دارند. پس از تصویب قانون اصلاحات ارضی بزرگ مالکان در صد توطئه برآمدند و دهقانان بی زمین را علیه کم زمینها تحریک می کنند. اینان حتی برای رسیدن به مقاصد خود از ایجاد دو

## برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق

گذری به روستا

### سینجان و مشکلاتش

روستای سینجان، با ۱۴ هزار نفر جمعیت دره کیلومتری جنوب غربی اراک (دیکار جاده اراک ملایر) قرار دارد. اکثر اهالی این روستا کشاورزان و زاهدین و برخی از خانواده‌ها در کنار کشاورزی به قالیبافی نیز اشتغال دارند. مالکیت بزرگ زمین به صورت خرده مالکی است. مساحت زمینهای زیر کشت به نسبت جمعیت کم است و تعداد زیادی از اهالی بدون زمین هستند و با چارندتا بستانها جهت دستیابی به کار راهی اراک شوند.

مشکلات اهالی یکی دوتا نیست، آنها از نبودن حمام بهداشتی (تنها حمام روستا خزینه‌ای است) و درمانگاه در منطقه هستند. در روستا تنها یک مدرسه و آنهم فقط تا بنجم ابتدایی وجود دارد، و اگر دانش آموزان بخواهند تحصیلات را ادامه دهند، مجبورند به اراک بروند. از وضع کشاورزی جویم می‌شوم، پیر -

مردی می‌گوید: "اکثر کشاورزان خرده مالکند، ولی تعداد خوش ثقیان هم زیاد است." یکی از روستائیان درباره وضع آب می‌گوید:

"آب زراعتی از قناتی که لاریبی نشده تا مین میشود، زیرا ما قدرتش را نداریم و دولت باید در این زمینه به ما کمک کند

پیرمردی که تازه از راه رسیده، می‌گوید:

"باغ تخته‌ها (منظور باغ عمومی است) از بی آبی دارد خشک می‌شود. اگر بفرستد ناسازگار زمین می‌رود همگی دهقانان از دست و اسطه‌ها نالند.

یکی از آنها می‌گوید: "اگر دولت محمولات ما را بخرد، هم ما راحت می‌شویم و هم مصرف کننده"

کراتی بردوش این زحمتکشان سنگینی میکند. یکی از آنها می‌گوید: "یک کیسه کود ۴۵ تومانی را ۹۰ تومان خریده‌ام. اگر شرکت تعاونی داشتیم می‌توانستیم این مواد را به قیمت اصلی شان بخریم"

آنها بحق از دولت انقلاب انتظار دارند که برای تشکیل تعاونی به آنها کمک شود و جهت خرید وسایل تولیدی به آنها وام بپردازد.

لازمست شورای ده تشکیل شود، تا هرچه فوری‌تر به مشکلات روستائیان سینجان رسیدگی کند. روستائیان برای دریافت کمک و همکاری از مقامات دولتی و برای حفظ اتحاد و همبستگی، باید شوراهای واقعی خودشان را بسازند و شوراهای ده می‌توانند تداوم یابی در زمینه فراهم کردن وسایل رفاهی و همچنین کمک به ایجاد تعاونی‌ها، با اختیار از دولتی و شورایی که دارد، دست و اسطه‌ها را کوتاه کند

همچنین دهقانان تهنی دست باید با شکل در کمیته‌ها و با آئینده‌های دهقانی خود را برای اجرای قانون واگذاری زمین به دهقانان تهنی دست آماده کنند و به کمک هیئت ۷ نفری و نهادهای انقلابی بشناهند و بدین طریق با تشکیل خودپیشخوانه اجرای دقیق و دموکراتیک قانون شوند.

## اتحاد خلقهای مسلمان بر ضد امپریالیسم

جلوگیری از بوجود آمدن این پایه‌ها بیش از هر چیز دیگر موثر است، سلطه، امپریالیسم، خصوص امپریالیسم امریکا در اکثر کشورهای اسلامی است. امروز جز چند کشور اسلامی، مابقی تمام دنیای اسلام تحت سلطه، مستقیم و یا غیر مستقیم دولت‌های امپریالیستی است. و به همین دلیل است که اغلب دولت‌های اسلامی: مصر، عراق، پاکستان، عربستان سعودی، ترکیه، شیخ نشین‌های خلیج فارس، عمان، بحرین و... اکنون بر ضد انقلاب و جمهوری اسلامی ایران موضع گرفته‌اند و با امپریالیسم امریکا بر ضد انقلاب و جمهوری اسلامی ایران همکاری می‌کنند. و این در حالیکه که همه آنان سنگ "اسلام" را تیزبین می‌زنند. پادشاه عربستان سعودی خود را پادشاه "اتحاد اسلام" میدانند، ولی کشور خود را به پایگاه نظامی امریکا علیه جمهوری اسلامی ایران تبدیل کرده‌است. انور سادات و ضیاء الحق و ملک حسن و ملک حسین و... هم خود را پیش از امام خمینی حافظ اسلام میدانند و هم در توطئه امپریالیسم امریکا علیه جمهوری اسلامی ایران، که بنیانگذار آن امام خمینی است، شریکند.

شعار اتحاد اسلام نیز مانند خود "اسلام" در تمام تاریخ محتوای طبقاتی داشته است. روزگاری بود که شاهان عثمانی برای حفظ سلطه خود بر خلقهای عرب و کرد، "اتحاد اسلام" را پرچم خود کرده بودند. سید جمال الدین اسدآبادی در شعار "اتحاد اسلام" مضمون ضد استعماری داخل کرد، اما او نیز تنها در اواخر عمرش درک کرد که اتحاد خلقهای مسلمان را بدون مبارزه با طبقات حاکم نمی‌توان تامین کرد. در آن دوره، خلقهای مسلمان نه تنها در جنگل استعمار، بلکه همچنین در دست قوای مهاجمین سربو بودند. در جهان نیرویی وجود نداشت که از مبارزه خلقها بر ضد استعمار و فئودالیسم پشتیبانی کند. امروز در جهان وضع دیگری حکم فرمات. سیستم سرمایه داری در بخش بزرگی از جهان فرو ریخته است و بجای آن نظام سوسیالیستی برقرار شده است. خلقهای جهان، از جمله خلقهای مسلمان، میتوانند با پشتیبانی کشورهای سوسیالیستی، مبارزه خود را در خارج با امپریالیسم و در داخل با سرمایه داری با موفقیت بیپن بپزند و شرایط لازم را برای اتحاد خلقهای مسلمان، که در بین آنها علائق مادی و معنوی فراوانی وجود دارد، فراهم سازند.

کسانی که منافع "ملی" کشوری از کشورهای اسلامی را در برابر منافع "ملی" سایر کشورهای اسلامی قرار میدهند و چون بعضیان خائن عراق بر سایرین انقلابی بمب و خمپاره می‌ریزند و یا چون شاه خائن و بیروانش سیاست نزدیکی با پاکستان و ترکیه را به مهانه رویا رویی با "ناسیونالیسم عرب" در پیش می‌گیرند، در حقیقت چاکران سرسپرده امپریالیسم هستند. منافع ملی خلقهای مسلمان ایجاب می‌کند که همه در جنبه، واحدی بر ضد امپریالیسم خونخوار مبارزه کنند. ادامه پیگیری مبارزه ناگزیر با مبارزه علیه استعمار و سرمایه داری در داخل هر کشور توأم خواهد بود. اتحاد کشورهای اسلامی بر پایه مبارزه بر ضد امپریالیسم و علیه سرمایه داری، نه تنها از نظر منافع ملی هر یک از این کشورها، بلکه همچنین بلحاظ نقش بزرگی که میتواند در تضعیف امپریالیسم در سراسر جهان و رهایی سایر خلقهای اسیر داشته باشد، از اهمیت عظیمی برخوردار است.

مبهن ما اکنون در نخستین صف این مبارزه جای دارد. خلق قهرمان ما بخوبی درک میکند که مبارزه اش بر ضد امپریالیسم امریکا تنها نبود خودش نیست و اهمیت جهانی دارد و به همین دلیل نیز تمام دشواریهای این مبارزه را باروی گشاده تحمل می‌کند. پیروزی ما بر امپریالیسم امریکا، بزرگترین دشمن بشریت، چهره تمام منطقه را درگون خواهد ساخت، رژیم‌های وابسته به امپریالیسم امریکا را تضعیف خواهد کرد، راه را برای پیروزی انقلابهای مردمی و ضد امپریالیستی در کشورهای اسلامی هموار خواهد نمود، کشورهای اسلامی ضد امپریالیست را تقویت خواهد کرد. و پایه‌های ضروری اقتصادی، اجتماعی و سیاسی برای اتحاد واقعی کشورهای اسلامی را فراهم خواهد ساخت.

روح پیام امام خمینی، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، به مناسبت روز قدس، برای اتحاد خلقهای مسلمان همین است.

از روزی که سید جمال الدین اسدآبادی، مبارز سرخت علیه استعمار انگلستان، ندای اتحاد اسلام را سرداد، بیش از صد و اندسال می‌گذرد. از آن زمان تا کنون شاگردان مکتب وی بارها برای اندیشه های او کوشیده‌اند. اندیشه اتحاد اسلام هرگز از این اندیشه جدا نبوده است که: چرا خلقهای مسلمان پس از آن همه شکوه تمدن اسلامی به روز سبجاری افتاده و در دست قدرتهای سلطه‌گر اسیر شده‌اند؟ در حقیقت سید جمال و پیروانش اتحاد اسلام را بعنوان راهیایان دادن به عقب ماندگی و رهایی خلقهای مسلمان از چنگال استعمار مطرح می‌کردند.

در دوران اخیر، که جنبشهای آزادی بخش بزرگی از دنیای اسلام را در بر گرفت، اندیشه اتحاد خلقهای مسلمان بار دیگر شکل اتحاد خلقهای عرب در صحنه سیاست ظاهر گشت. کشورهای مختلف عرب بارها طرحهایی برای اتحاد خود کشیدند. حتی برخی اقدامات عملی نیز در این زمینه صورت گرفت، اما هیچ یک از این اقدامات به نتیجه قطعی نرسید.

امروز به جرات می‌توان گفت که اختلافات بین کشورهای مسلمان (بخصوص کشورهای عربی) آنها را بدو گروه متضاد و متخاصم تبدیل کرده‌است. مصر و لیبی، ایران و عراق، عراق و سوریه، مغرب و الجزایر، افغانستان و پاکستان و... همه در آن اختلافات می‌وزند.

آزوری اتحاد اسلام، پایه عبارت صحیحتر، اتحاد خلقهای مسلمان، تا کنون به تحقق نپیوسته و بصورت یک آرزو باقی مانده‌است. چرا؟ برای اینکه بتوان به این سؤال پاسخ داد، باید به علل و دلایلی که مانع این اتحاد شده و می‌شوند توجه کرد:

اتحاد بین خلقها و دولت‌ها به دو صورت می‌تواند عملی گردد: اتحاد موقت بر پایه منافع مشترک موقت. مثلاً هنگامی که دو خلق و یا دو کشور در معرض تهاجم کورثالی قرار می‌گیرند. اتحاد دائمی بر پایه منافع دائمی مشترک، و این اشتراک منافع هنگامی می‌تواند وجود داشته باشد که بر پایه‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی مشترکی نباشد باشد.

کشورهای عربی می‌خواهند بر پایه زبان و دین مشترک (اسلام) بدون پایریزی بنیان اجتماعی، اقتصادی و سیاسی مشترک، دولت‌های واحدی بوجود بیاورند. آنها بارها این تجربه را آزمودند و با شکست روبرو شدند. هر اقدام دیگری نیز که در این زمینه بعمل آید و این شرط اساسی اصلی را در نظر نگردد، جز این سرنوشتی نخواهد داشت. دنیای اسلام هم اکنون بر حسب روابط اجتماعی، اقتصادی و سیاسی ای که در آنها حکم فرمات، بدو جنبه تقسیم شده‌است: در یک جنبه کشورهای قرارداری دارند که با هزاران رشته با امپریالیسم، به سرکردگی امپریالیسم امریکا مربوطند. پاکستان، عربستان سعودی، ترکیه، مصر، عمان، اردن، مراکش و غیره جز این گروه از کشورها هستند. در برابر این جنبه، کشورهای چین، ایران، سوریه، لیبی، یمن دمکراتیک، الجزایر و غیره وجود دارند، که هر یک به درجاتی با امپریالیسم مبارزه می‌کنند. ایران اکنون در نخستین صف این مبارزه قرار دارد.

سرنوشت اتحاد اسلام به سرنوشت مبارزه با امپریالیسم ارتباط دارد. تنها پس از پیروزی در این نبرد است که می‌توان از اتحاد خلقهای مسلمان سخن گفت.

برای نیل به این پیروزی نخست باید جنبه واحد ضد امپریالیستی خلقهای مسلمان را بوجود آورد و تقویت کرد. اتحاد کشورهای خلقهای مسلمان را تنها میتوان بر پایه اشتراک منافع خلقهای مسلمان در مبارزه علیه امپریالیسم تامین کرد. تحکیم، تعمیق و پایداری اتحاد خلقهای مسلمان هم هنگامی میسر و ممکن است که پایه اجتماعی، اقتصادی و سیاسی این کشورها همگون باشد، یعنی بوجود طبقات استثمارگر در این کشورها پایان داده شود. پایان دادن به سلطه امپریالیسم بمنزله یک سیستم اقتصادی- اجتماعی و سیاسی در جهان و ریشه کن کردن سرمایه داری در کشورهای اسلامی میتواند زمینه را برای ایجاد یک اتحاد دائمی از خلقهای مسلمان فراهم سازد.

کوششهایی که در گذشته، هنگام سلطه فئودالیسم در کشورهای اسلامی، برای "اتحاد اسلام" بعمل آمده و اکنون در دوران سلطه روابط سرمایه داری در داخل کشورهای مسلمان بعمل می‌آید، همه به دلیل فقدان پایه‌های ضروری اجتماعی- اقتصادی و سیاسی بانکت روبرو شده است و تا این پایه‌ها بوجود نیامده هر تلاش دیگری هم به همین نتیجه خواهد انجامید. آنچه در



مربک از چین‌هایی که در چهره این دهقان نقش گرفته، محصول سالها زحمت ورنچاست. ده‌شا هخوره - خرمنهر

### در اجرای خواست دهقانان تعلل نکنید

روستای "تخته"، از بخش اورامانات شهرستان سمنجان است. اکثر اهالی این روستا را دهقانان تهیدست تشکیل می‌دهند. (تعدادی از اهالی نیز صاحب باغ هستند). به همین علت اکثر جوانهای این روستا جهت کار به شهرهای صنعتی روی می‌آورند.

کمیون آب زراعتی و آبیاری و نبودن زمین، جاده، مدرسه، درمانگاه و دیگر وسایل ابتدایی رفاهی، روستائیان را سخت در مضیقه قرار داده است. روستائیان، که با جان و دل در انقلاب شرکت کردند، انتظار داشتند که دولت انقلاب به خواستهای آنان رسیدگی کند. اما تاکنون فقط تعلل شده‌است. دهقانان بی زمین این روستا تاکنون جهت رسیدگی به خواست‌های شان و مطالبه آب زراعتی و دیگر خواستهای رفاهی، به مقابل دارا ت دولتی رفته‌اند و شکایت دست جمعی خود را به مقامات مسئول اراکه کرده‌اند.

از خواستهای مهم کشاورزان احداث جاده است، زیرا این روستا در پشت کوه قرار دارد و هیچ وسیله نقلیه‌ای قادر به رفت و آمد به این روستا نیست. تا بحال چندین بار اهالی به مقابل اداره راه و ترابری رفته و خواستار حل این مشکل شده‌اند، اما متأسفانه کار هنوز به تصام نرسیده‌است.

ایجاد دبستان و خانه بهداشت، خواست دیگر اهالی "تخته" است. دهقانان معتقدند که دولت قادر است با حفر چاه‌های عمیق و نیمه عمیق و واگذاری موتورهای آب، جهت بهره‌برداری از این چاهها، یکی از عمده مشکلات آنها را حل کند. همچنین با احداث جاده و دبستان و تحققی بخشیدن به دیگر خواستهای رفاهی روستائیان، به آنان یاری رساند.

### بیاید زمین‌ها را برادر ارکشت کنیم

را و ادا کرده‌است که علیه خوش نشین ها به دادگاه انقلاب شکایت کنند. در حالی که کاتلا روشن است که همه این زحمتکشان باید با هم برادروار عمل کنند و جهت حمله و مبارزه و شکایت باید علیه بزرگ مالک متوجه باشند.

این خبرنگار می‌دهد که تا قانسون اطلاعات ارضی اجرا نشود، وضع ناسامان روستائیان مبهن ما بهبود نخواهد یافت. برای جلوگیری از تشنج و درگیری باید اتحاد و همکاری بین زارعین و خوش نشینان محکم شود. دهقانان این روستا باید متحداً و با شکل در کمیته‌ها و اتحادیه‌های دهقانی، خود را برای اجرای قانون واگذاری زمین به دهقانان تهیدست آماده کنند. در این روستا می‌توان بسا ایجاد تعاونی تولید بر اساس رعایت حقوق همه زحمتکشان، به تولید جمعی بر روی مالکیت متاع پرداخت و با اتحاد در عمل، امرحیاتی تولید را، به بهترین وجه، با کمک هم، آغاز و شکوفای کرد.

در ده عیباد در استان فارس، ۴۰۰ هکتار زمین وجود دارد، که متعلق به یک بزرگ مالک است. بر روی این زمین ها، بر اساس یک قرارداد دواچاره نامه، ۲۶۰ خانوار دهقان زندگی می‌کنند، که هر ساله ۲۶۰ هزار تومان بهای اجاره زمین ها را می‌پردازند. مالک بزرگ این روستا زمین ها را به مدت پنج سال به زارعین اجاره داده، که تاکنون فقط یکسال از مدت اجاره گذشته است. در این روستا همچنین ۹۰ خوش نشین زندگی می‌کنند، که فاقد هرگونه وسایل تولید هستند. مالک بزرگ و عمال او متأسفانه موفقی شده اند بدین اجاره داران و خوش نشین ها اختلاف ایجاد نکنند. یکی از زارعین در این باره می‌گفت:

"یکی از خوش نشین ها پس خودم و چند تای دیگرشان هم از اقوام هستند. به آنها می‌گوئیم بیا شید برادروار زمین ها را کشت کنیم، ولی آنها می‌گویند: "دامنه اختلافات بر سر زمین، زارعین

### دهقانان کم زمین و بی زمین!

باتشکیل کمیته‌های خود و اینکه به پاسداران متعهد و افراد سوز جهاد سازندگی، به مسئولان دولتی کمک کنید، تا قانون اصلاحات ارضی سر بیاورد و سود شما جانشود

### اخبار گاری

#### وضع ناسامان درمانگاه ذوب آهن زیر آب

زیر آب یکی از شهرکهای حومه قائم شهر است و در ۲۵ کیلومتری جنوب آن قرار دارد. بعلاوه وجود معادن ذغال سنگ، زیر آب جزء یکی از مناطق کارگرنشین مازندران است.

در زیر آب دو درمانگاه وجود دارد، که یکی درمانگاه دولتی و دیگری درمانگاه ذوب آهن زیر آب است و کارگران معادن از آن استفاده می کنند. درمانگاه، ساختمان دو طبقه نسبتاً کوچکی است. غیر از دو پرستار، فرد دیگری در این درمانگاه وجود ندارد. پرستاران در مورد نارساییهای درمانگاه چنین می گویند:

«تنها دکتری که در این درمانگاه کار می کرد، مدتی است استعفا کرده و رفته است. الان آقای دکتر کمال عابدی، که پزشک درمانگاه دولتی زیر آب هستند، یکی دو ساعت در اینجا بیماران را ویزیت می کنند. بطور متوسط روزانه ۸۰ بیمار به این درمانگاه مراجعه میکنند. آقای متقیان داروخانهچی درمانگاه، که پزشک است، بعضی اوقات که پزشک نیست برای مریضهایی که بیماری آنها فقط اسهال و استفراغ است، داروی لازم را تجویز می نماید. این در مانگاه تلفن ندارد تا ما در موارد اضطراری که احتیاج به آمبولانس داریم، از آن استفاده کنیم. آمبولانس هم که نداریم. و در موارد اضطراری بعضی اوقات آقای متقیان داروخانهچی ما با ماشین شخصی خود بیمار را به قائم شهر می رانند. از همه مهمتر ما اینجا آب نداریم. پزشک هم که نداریم، پس دیگر خودتان فکر کنید ما اینجا چه وضعی داریم، و ناراحتی ها و نارسایی های ما تا چه اندازه عمیق است.»

در سالی انتظار یک دختر بیچه و خانمی که بچه اش را به پشت بسته، بر روی نیمکت و به انتظار پزشک نشسته اند.

این خانم آذرخاتون پورسید نام دارد؛ بچه اش مریض است و اسهال گرفته ولیکن بعلاوه اینکه امروز پنجشنبه است، درمانگاه پزشک ندارد. (پنجشنبه و جمعه درمانگاه تعطیل است) این خانم می گوید:

«آقا، مادرتان را، دکتر روزهای غیر از پنجشنبه و جمعه، آنهم فقط بعد از ظهرها هست، دکتر کشیک و شبانه روزی نداریم، بچه من مریض است من نباید چکار کنم.»

از مسئولین امر می خواهیم به وضع این درمانگاه جدا رسیدگی کنند و حداقل امکانات را برای این درمانگاه که اتفاقاً مورد استفاده زحمتکشترین افراد جامعه ما است، فراهم نمایند.

### قانون شکنی کارفرمایان ادامه دارد

شرکت مسافری اتومبیل، با ۷۰ دستگاه اتوبوس، یکی از بزرگترین شرکت های مسافری شیراز است. تعداد ۶ کارگر از ۱۷۰۰ کارکنان شرکت کار می کنند. کارگران از بدو استخدام پول بیمه پرداخته و لی کارفرما این پول را به بیمه نمی پرداخته است.

بدون آنکه سال پیش قتل بزرگی بر سر یک کارگر اصاب کرد و وی دردمجان سپرد و کارفرما بالاچار کارگران را بیمه کرد.

کارگران ۱۷ سال پیش با کارفرما قرارداد بستند که بابت هر ماهی ۱۰۰ تومان دستمزد بگیرند. (هم اکنون هر روز ۳۵ دستگاه اتوبوس از این شرکت عازم شهرهای دیگری می شود و در نتیجه بهر کارگر روزی ۵۷۰ تومان دستمزد تعلق می گیرد).

دستمزد کارگران در این مدت ۱۷ سال هیچگونه تغییری نکرده است.

کارگران به کارفرما اعتراض کرده اند و در تحقیقات معلوم شده است که کارفرما از هر راننده بابت اتابار ۱۵۰ ریال می گیرد و فقط ۱۰۰ ریال را به کارگران می دهد و بقیه را خود برمی دارد. کارگران برای رسیدگی به این موضوع به اداره کار شکایت کرده اند و خواهند آنگاه که آخرین مصوبه حقوق کارگری به آنها تعلق گیرد.



### گذری از کنار صافکاران کنار خیابانها و خرابه ها

می مانیم. نمراله علیوند، صافکار کنار خیابان (اتوبان) بعثت می گوید:

«مخ اهل قریه "صلوات" از توابع مشکین شهر هستم و ۲۰ سال سن دارم و با برادرم کار می کنم. او تازه ازدواج کرده. ما با پدر و مادر و ۷ برادر و خواهر دیگرمان در یک آپارتمان ۲ طبقه زندگی می کنیم. این خانه را زمان انقلاب در شهرک نجف آباد گرفتیم و با وجود دعوای زیاد و درگیری با کمیته ها هنوز آنجا زندگی می کنیم. ولی تکلیفمان معلوم نیست.»

او در مورد وضع کارش می گوید:

«در آمدیمان از صافکاری خیلی کم است. تقریباً هفته ای ۵۰۰ تومان و آنهم در صورتی است که مشتری باشد و هوا هم خوب باشد. این پول اصلاً کفاف خانواده پرجمعیت ما را نمی دهد. حالا خوب است که گریه منزل نمی دهیم و گرنه معلوم نبود که با این مشکل چطور می بایست مقابله کنیم. گجا به یک خانواده ۱۲ نفری خانه می دهند؟»

او از گذشته خود و خانواده اش در روستا می گوید:

«در روستا پدر و مادرمان و همچنین من و برادران بزرگم کشاورزی می کردیم، ولی چه فایده که در آمدیمان بسیار ناچیز بود، چون زمین به آن صورت نداشتیم. به همین خاطر زمین و خانه مان را ول کردیم و به تهران آمدم. ما از دولت می خواهیم که زمین مناسبی در روستا در اختیارمان بگذارد تا ما دوباره سرخانه و زندگی مان برگردیم. ما کشاورزی باید امکانات اینکار را در اختیارمان بگذارند.»

او از مشکلات زندگی در تهران سخن به میان می آورد:

«در این حوالی همه چیز بمسختی پیدا می شود. مثلاً گوشت نامرغوب کیلویی ۳۰ تومان است. میوه اصلاً به خانه ما را ندارند، از کجا پول بیاوریم و برای دوازده نفر میوه بخریم؟ مگر اینکه یکروز هیچ نخوریم و بجایش طعم میوه خوب را بچشیم.»

او در پایان می گوید:

«آقا، من اول جوانیم است، خیلی آرزوها دارم. اول از همه می خواهم ازدواج کنم و زندگی ساده ای تشکیل دهم، ولی با کدام پشتوانه و دلگرمی؟»

آن موقع چه اجباری داریم که در گرمای تابستان و سرمای زمستان، بدون حتی یک وعده غذای درست و حسابی در اینجا زندگی کنیم. اصداله شریعت ناصری یکی دیگر از صافکاران کنار خیابان جوانمرد قصاب در مورد زندگی خود می گوید:

«من ۴۲ سال سن و ۵ فرزند دارم، که همگی آنها درس می خوانند. ۲۰ سال است که در تهران کار می کنم. پیش از آنکه به تهران بیایم در لنگرود خرده فروش بودم. اوایل ورودم به تهران آرایشگاه داشتم، ولی کارم رونق نداشت. مجبور شدم بروم کارخانه ایران ناسیونال، ۶ سال آنجا کار کردم تا حقوقم به ماهی ۷۰۰ تومان رسید. با این پول که نمی توانستم خرج زن و بچه خود را بدهم. آنجا را ول کردم و بیرون آمدم.»

او سپس ادامه می دهد:

«پس از آن در قسمت موتوری شهرداری با ماهی ۲۰۰۰ تومان استخدام شدم. در مقابل اضافه شدن به حقوقم، قیمت ها نیز چند برابر شدند. با این حقوق می بایست ۷۰۰ تومان اجاره خانه میدادم، ولی با این وجود ۴ سال نیز در آنجا کار کردم. بعد در اثر فشار زندگی مجبور شدم آنجا را هم رها کنم.»

او در مورد وضع کنونی کارش می گوید:

«الان چند سالی است که کنار این خیابان و خیابانهای اطراف شغلم صافکاری اتوموبیل است. من مکانیک خوبی بودم برای همین شهرداری آن موقع بمن ۲۰۰۰ تومان ماهیانه حقوق می داد، ولی خرج زندگی ساده ما بیشتر از اینها بود. بچه هایم رفتن به بزرگ می شدند و هزینه های زندگی نفس گیر. الان هم اینچنانم از صبح تا شب در گرمای ۳۷ درجه چشم براه یک ماشین هستم، تازه اگر پیش صافکار جلویی نرود.»

او از وضع زندگی خود و گرانی روز افزون گله می کند و می گوید:

«حالا ناراحتی ما بیشتر از این است که تاکی باید با گرانی بسازیم؟ مگر ما چقدر درآمد داریم؟ آیا بچه های ما نباید در ماه حتی یک وعده میوه بخورند؟ ما باید همیشه مواظب باشیم تا خودمان و مخصوصاً بچه هایمان مریض نشوند، و گرنه علاوه بر خرج زیاد پزشک و دارو از نان آرزومان هم

در گوشه و کنار تهران، در کنار تکه زمین های خالی و خرابه ها، به چند باجمع زحمتکشانی برخورد می کنیم که به کار صافکاری اتوموبیل مشغولند. این زحمتکشان جزء کوچکی از ارتش عظیم بیکاران کشور ما هستند، که پس از انقلاب پرشکوهِ میهنان، امیدوار بودند که جامعه انقلابی ایران بتواند برای آنها و خانواده شان مامنی آسوده فراهم آورد، اما سهل انگاری ها و اقدامات غیر انقلابی و سازش کارانه دولت موقت باعث شد که آنها در پی یافتن روزی برای خود و خانواده خود هر روز دست به انجام کاری بزنند.

اکنون نیز به جای اینکه از تخصص و حرفه خود برای بالا بردن سطح تولید کشور استفاده کنند، مجبورند در گوشه و کنار خیابانها چشم انتظار اتوموبیلی باشند که برای صافکاری به سوی آنها می آید.

اکثر این صافکاران، جوانان پرشور و با استعدادی هستند که از شهرستانهای دیگر به امید یافتن کار در بخشهای صنعتی روانه تهران شده اند و اکنون بی بهره از هرگونه امکانات رفاهی بسر می برند.

به پای صحبت تنی چند از آنها، که در اطراف تهران پراکنده اند، می نشینیم تا از نزدیک با زندگی ورنجهای آنها آشنا شویم.

محمدعلی خانی یکی از صافکاران کنار خیابان جوانمرد قصاب می گوید:

«من ۱۸ سال دارم و اهل روستای "گراز" از توابع اراک هستم. قبلاً سه سال در یک کارگاه صافکاری می کردم. درآمد بسیار کم بود و کفاف اینرانی داد که مقداری از آنرا در تهران خرج خودم کنم و مقداری را هم برای خانواده ام در روستا بفرستم. این بود که با پس انداز اندکی که داشتم با دو نفر دیگر شریک شدم و وسایل لازم برای صافکاری را تهیه کردیم.»

او در مورد وضع کنونی اش می گوید:

«تمام سرمایه ما ۵ هزار تومان است. در حال حاضر تمام درآمد هر نفر از ما در ماه ۱۵۰۰ تومان است. ماهیچ چیز برای زندگی نداریم. تمام دردم از بیگاریست. اگر دولت کاری برای مادرست کند و یا اینکه در روستایمان زمین در اختیارمان بگذارد، نمتنبها من، بلکه دیگر دوستانم نیز حاضرند که به روستایمان برگردیم.

### درجهان سرمایه داری

بیکاری در بیشتر فته ترین کشورهای سرمایه داری در ده سال اخیر جدول زیر نشان میدهد، که بیکاری در کشورهای سرمایه داری، امروزه نیز مانند گذشته، در مرحله بحران ادواری گسترش می یابد، اما بخلاف گذشته در مراحل آغاز رونق و رونق تنها اندکی کاهش می پذیرد و در برخی اوقات حتی همچنان بیشتر میشود:

بیکاری در کشورهای سرمایه داری (به هزار)

۱۳۴۹	۱۳۵۴	۱۳۵۵	۱۳۵۶	۱۳۵۷	۱۳۵۸	۱۳۵۹
کشورهای سازمان همکاری و توسعه اقتصادی	۷۸۴۶	۱۸۵۰۰	۱۵۳۸۵	۱۵۸۲۳	۱۵۸۶۸	۱۶۸۰۰
ایالات متحده آمریکا	۴۰۸۸	۷۸۲۰	۷۲۸۸	۶۸۵۶	۶۰۴۷	۵۹۶۳
جامعه اروپا	۲۱۸۹	۴۷۰۵	۵۳۱۹	۵۷۴۳	۶۰۱۲	۶۵۵۰
بریتانیا	۶۱۸	۱۷۸	۱۳۵۹	۱۴۸۴	۱۴۷۵	۱۳۹۰
ایتالیا	۹۶۱	۱۲۰۲	۱۲۷۹	۱۳۹۸	۱۵۷۱	۱۷۴۰
فرانسه	۲۶۲	۸۴۰	۹۳۳	۱۰۷۲	۱۱۶۷	۱۳۶۰
جمهوری فدرال آلمان	۱۴۹	۱۰۷۴	۱۰۶۰	۱۰۳۰	۹۳۳	۸۷۰

### درجهان سوسیالیسم

کاهش مرگ و میر کودکان در کوبا

در کوبای سوسیالیستی از هر هزار کودکی، که چشم به جهان می گشایند، تنها ۱۹/۳ نفر پیش از یکسالگی فوت می کنند. رقم مشابه برای کودکان ۱-۴ ساله تنها ۱ است.

برای مقایسه، آهنگ مرگ نوزادان و کودکان ۱-۴ ساله برخی دیگر از کشورهای آمریکای لاتین را در زیر از نظر خوانندگان می گذرانیم:

کشور	آهنگ مرگ نوزادان (در هزار)	آهنگ مرگ کودکان (۱-۴ ساله) (در هزار)
پاراگوئه	۹۴/۳	۵/۶
گواتمالا	۸۰/۷	۲۴/۲
برو	۷۲/۴	۷/۵
شیلی	۶۳/۳	-
کلمبیا	۵۲/۵	۴/۹
ونزوئلا	۴۳/۷	-
اکوادور	-	۱۳/۹
سالوادور	-	۹/۵
هندوراس	-	۹/۲
جمهوری دومینیک	-	۴/۸
ونزوئلا	-	۳/۸

(- آمار در دسترس نیست.)

تمام قراردادهای اقتصادی و نظامی اسارتگر امپریالیستی باید لغو شود

بیمه کارگری کارگران  
بیکاری یکی از بزرگترین و طاقت  
خوارکننده ترین علل است

### در جلسه علنی دیر وزمجلس: نامه رئیس جمهور در معرفی آقای رجائی جهت نخست وزیری مورد قبول قرار گرفت

نمایندۀ اراک:

## دولت فرانسه به طرفداران رژیم شاه، جلادان و کشتار کنندگان خلق پناه داده است



این افراد به تشکیل گروههای تروریستی و انجام عملیات سیاسی- نظامی گسترده علیه انقلاب ایران می پردازند.

جلسه علنی دیروز مجلس شورای اسلامی در ساعت ۹/۳۰ به ریاست حجت الاسلام رجسجائی تشکیل شد. اولین ناطق قبل از دستور جلسه دیروز ابوالحسن حسینی، نماینده مینودشت، در باره وضع حوزه انتخابیه خود از جمله گفت:

کشت و کشا ورزی در منطقه گرگان و کنبدبه علت عدم توجه مسئولین در حال نابودی است. مجلس باید هر چه زودتر وضع مالکیت را روشن کند. بسیاری از زمینهای کشا ورزی و از جمله باغ ۹۸۰ هکتاری اشرف پهلوی به علت عدم رسیدگی به وضع آنها بدون استفاده مانده اند...

دومین ناطق قبل از دستور، غلامحسین حقانی، نماینده بندرعباس، نیز درباره حوزه انتخابیه خود و مشکلات مردم آن نواحی سخن گفت.

آنگاه کمالیانیا، نماینده قوچان، ضمن برشماری گوشه ای از مشکلات مردم قوچان و حومه، از جمله مشکل آبیاری زمینهای کشا ورزی گفت:

با سد سازی می توان و باید از تلف شدن ۸۰٪ آبهای مملکت جلوگیری کرد و از آنها در جهت آبیاری زمینهای کشا ورزی استفاده نمود.

وی در پایان سخنان خود خواهان برقراری معیارهای دقیق برای تصفیه در ادارات و وزارتخانه ها شد و گفت:

علاوه بر آن نباید کسانی را که تصفیه می شوند به حال خود گذاشت، تا هر کاری که می خواهد بکنند، باید آنها را تحت کنترل قرار داد و نگاهداشت، که علیه انقلاب کار نکنند.

آخرین ناطق قبل از دستور جلسه دیروز احمد عظامی، نماینده اراک بود. وی ضمن برشماری علنی که دولت فرانسه به امام خمینی، در قبال از انقلاب اجسازه اقامت در آن کشور را داد و تویز تضمیناتی که علیه امام فراهم آورد، گفت:

"دولت فرانسه وسوسا پر دودل غربی که ادعای پناه دادن به آزادیخواهان را داشتند، اکنون به افسران فراری پناه داده اند. به افرادی که طرفدار رژیم کودتا هستند، به جلادان و کشتار کنندگان مردم... آنها بی که اکنون از عوامل اصلی توطئه علیه انقلاب ما هستند و کانونهای توطئه ایجاد کرده اند، کسانی که کارشان در تمام ابعاد سیاسی- نظامی خود جریان دارد. این افراد اکنون گروه های تروریستی ایجاد کرده اند. وحشی طرفداران آنتناب اسلامی ایران در خارج از کشور را نیز مورد ضرب و شتم قرار میدهند." وی در پایان سخنان خود خواهان کنترل دولت بر بارزگانی خارجی ایران و نیز کارصرافیها، که مقادیر زیادی ارز را از

کشور خارج می کنند، شد. پس از نطقهای قبل از دستور، حجت الاسلام رجسجائی، متن نامه رئیس جمهوری در مورد معرفی آقای محمدعلی رجایی به سمت نخست وزیر را قرائت کرد. در مورد این نامه بحث فراوانی بین نمایندگان در گرفت. گروهی از نمایندگان می گفتند که متن نامه منافی با قانون اساسی است و گروهی نیز خلاف آن، در میان آنها نظر نمایندگان، حجت الاسلام موسوی خوئینی ها گفت:

"پس بیایم ما که از مجلسیان و رئیس جمهوری می خواهیم که تصدیق کنند، چه شد؟ من می خواهم با توجه به مهتوی این پیام و توجه به دردهای اصلی مردم ما در مورد خطاهای جزیی که احتمالاً واقع شده است، اغماض نکنیم."

در پایان صحبتهای نمایندگان در مورد نامه و تطبیق و یا عدم تطبیق آن با قانون اساسی، و بعد از زنجش ۲۵ دقیقه ای مجلس حجت الاسلام رجسجائی در جمع بندی مذاکرات انجام شده، از جمله گفت:

"نامه ای با امضاء ۱۵ نفر رسیده است که تقاضا کرده اند، نامه رئیس جمهور را بپذیریم و روی موضوعات فرعی غیر مهم وقت تلف نکنیم."

آنگاه بهرامون پذیرش نامه ز طرف مجلس رای گیری بعمل آمد. در نتیجه معرفی نامه رئیس جمهور در مورد آقای رجایی مورد پذیرش نمایندگان قرار گرفت.

پس از آن آقای کمیسیون اعلام کرد که اعتبار نامه آقای موعدی با ووسی، نماینده ساوه، با توافق آراء در این شعبه به تصویب رسیده است. پس این اعتبار نامه از تصویب نمایندگان گذشت.

قسمت دیگری بر نامه مجلس، قرعه کشی نمایندگان برای نطقهای قبل از دستور بود، که بوسیله منشی های مجلس انجام گرفت.

در پایان جلسه امروز مجلس، حجت الاسلام رجسجائی اعلام کرد که کمیسیونهای امور خارجه و امور داخله با بدهر چه زودتر هیئت هایی را که می باید برای رسیدگی به وضع سفارتخانه های ایران در خارج کشور و نیز بررسی وضع مناطق مختلف کشور اعزام شوند، انتخاب و به مجلس معرفی کنند.

جلسه دیروز مجلس ساعت ۱ بعد از ظهر با بیان یافت و قرار شد که در جلسه بعدی (امروز ساعت ۱۰) در مورد نخست وزیری آقای محمدعلی رجایی رای گیری شود.

ضمناً نمایندگان مجلس، ساعت ۳ بعد از ظهر دیروز، در طی یک جلسه خصوصی، راجع به مسئله نخست وزیری آقای محمد علی رجایی به بحث و تبادل نظر بیشتر پرداختند.

## اسرائیل- پایگاه

بقیه از صفحه ۲

منطقه صرفاً اسم و عنوان و ادعا نیست. ملاکی که مرزها را از هم جدا می کند، خط فاصل بین آنها را تعیین می کند، نحوه برخورد آنها، نحوه عمل آنهاست نسبت به انقلاب ایران و سایر نهضت های ضد امپریالیستی در این منطقه.

ملاک ما برای شناخت دوست و دشمن، نه عنوان ظاهری و دروغین آنهاست، نه پرده ریایی است که برخی دولت های حاکم بر ملل اسلامی بر چهره خود می کشند، بلکه ملاک ما برای شناخت آنها برخوردی است که با انقلاب ما داشته اند.

سازمان آزادی بخش فلسطین، و جبهه پایداری و دولت های تشکیل دهنده جبهه پایداری (سوریه) الجزایر، لیبی، یمن دمکراتیک) در کنار انقلاب ایران قرار دارند.

دولت های سوسیالیستی در تمام طول مدتی که تبرد بین حق و باطل در خاور عربی و خاورمیانه ادامه داشته است، و به مثابه صادق ترین، بی گریب ترین و تزلزل ناپذیرترین دوستان خلق های عرب و مردم انقلابی ایران عمل کرده اند.

## پارلمان جهانی ملت ها برای صلح

به ابتکار شورای جهانی صلح از ۲۳ تا ۲۷ سیتا مبرا سال - یکم تا پنجم مهر ۱۳۵۹- اجتماع نمایندگان همه ملت ها جهان در مونیخ (بلفارستان) زیر عنوان "پارلمان جهانی ملت ها برای صلح" تشکیل خواهند شد، و این مهمترین گردهمایی ها خواهد بود که شورای جهانی صلح در سی ساله موجودیت خود ترتیب داده است.

نمایندگان از حزب سوسیالیست، اتحادیه های کارگری و دیگر سازمان های توده ای، جنبش های صلح، جریای نهضت های مذهبی، سازمان های اجتماعی و فرهنگی، همه هواداران صلح و تشنج زدایی، همه کسانی که با احساس خطرناک سلاحها و تلاش برای بازگشت فضای جنگ سرد و ستیزه جوییی مخالف اند، از سوی شورای جهانی صلح به شرکت در این گردهمایی دعوت شده اند. اکنون تراکم جنگ افزایر به بالاترین میزان خود در تاریخ رسیده است. نیروهای گوناگون تولید جنگ افزا رسو می برند، به عمده سازی جنگی را ادامه می دهند. خطر یک جنگ سرد دیگر، و اگر پیشگیری نشود، خطر یک جنگ تمام عیار ربرقرازر بشریت معلق است.

هفته دقترن حاضر شامل هدی پروپوزهای بزرگ صلح و استقلال ملی بوده است و به مناسبت منتهای صلح بوده است.

امکانی در راهی با امید شده است. امکانی در راهی با امید شده است.

انتخاب خواهند شد. بویژه تا کی بخانه بر آن است که گروه اخیر مستقیماً از سوی مردم انتخاب شوند و خود مردم هزینه اعزام این نماینده ها را، با پولی که در شهرستانها و معملهای کار جمع آوری خواهند شد، برعهده بگیرند.

در جریان تشکیل پارلمان جهانی، کمیسیونها، میزگردها، گروههای کار، جلسات سخنرانی و گردهمایی های نمایندگان قاره ها فعالیت خواهند داشت. اهم موضوعاتی که پیشنهاد می شود در این جلسات مورد بحث و بررسی قرار گیرد، چنین است:

### کمیسیونها:

پایان دادن به مسابقه تسلیحاتی، تامین صلح و استقلال اقتصادی، استقرار نظام جدید اقتصادی بین المللی، مسایل انرژی و پهنوندان با مبارزه در راه صلح و استقلال ملی، امنیت و همکاری در اروپا، همبستگی با مردم فلسطین و دیگر خلقهای عرب، سهم جنبش کشورهای نام وابسته در امر صلح و استقلال ملی، مبارزه با سیاست امپریالیستی مداخله گری و ایجاد عدم شبات، مبارزه با نژادپرستی و سیاست تبعیض نژادی...

### میزگردها:

مرکز از نمایندگان اتحادیه های کارگری سازمان ها، جوانان، جوانان و دانشجویان، نمایندگان مجالس ملی، معارف مذهبی، کارکنان رشته های تعلیم و تربیت، آموزش علوم و فرهنگ و غیره.

در این میزگردها موضوعاتی مانند: مبارزه برای تبدیل منابع تسلیحاتی به منابع رفاه برای زمان صلح، نتایج به دست آمده در نیمه اول دهه زن و در سال بین المللی کودک، دفاع از فرهنگهای ملی و تربیت در راه صلح مورد بحث قرار می گیرد.

گروه های کار:

### موضوعاتی که پیشنهاد می شود، عبارت است از:

همکاری با دیگر سازمان های غیر دولتی، فعالیت به منظور پشتیبانی از کوششهایی که در سازمان های وابسته مثل متحدان برای تسلیحات بین دولتها در راه صلح و استقلال ملی صورت می گیرد، گسترش انتشارات و تبلیغات صلح، افزایش منابع مالی، همکاری میان نیروهای مختلف سیاسی، گسترش شبکه سازمانهای سخرانی ها:

در باره موضوع های مختلف، از جمله تجا و بزه حقوق بشر، نژادپرستی و تبعیض نژادی در شبلی و اورگوشه، آفریقای جنوبی، سرزمینهای اشغالی عرب، امریکای شمالی، وضع کارگران مهاجر در اروپا، و وجه مختلف نژادپرستی در مناطق مختلف

### گردهمایی بر حسب قاره ها:

چهار جلسه قاره ای تشکیل خواهد شد: آفریقا، آسیا و اقیانوسیه، آمریکای لاتین و حوزه دریای کارائیب، اروپا و آمریکای شمالی.

\*\*\*

شورای جهانی صلح، به منظور تشکیل پارلمان جهانی صلح، برای ایجاد کمیته تدارکاتی بین المللی ترتیب می دهد، که نمایندگان سازمانها و جنبشهای عمده بین المللی و همچنین شخصیت های برجسته و رهبران احزاب مختلف سیاسی را برای شرکت در آن دعوت می کند.

از آن گذشته، در هر کشوری یک کمیته ملی تدارکاتی، مرکب از نمایندگان اجزاب و سازمانها و همچنین شخصیت های برجسته تشکیل می شود.

کمیته های ملی و بین المللی تدارکاتی هر یک در حیطه عمل خود، می باید پیس از بحث درباره موضوع های مورد علاقه، به تنظیم طرح قطعنامه ها و دیگر اقدام برای ارائه به پارلمان جهانی اقدام کنند. بویژه کمیته های تدارکاتی ملی، به همین منظور پارلمان ملی خود را تشکیل خواهند داد.

در پارلمانهای ملی و محلی، در کنگره ها، کنفرانس ها و میتینگ ها، نمایندگان که با یاد پارلمان جهانی صلح برای صلح شرکت کنند، انتخاب خواهند شد. این فعالیتها می باید به این مجموعه طبیعی منجر شود که وسیع ترین پیوستگی و همکاری نیروهای سیاسی و اجتماعی با شعارهای زیرمورد پذیرد: همبستگی جنگ سرد را متوقف سازیم!

به تراکم جنگ افزا را پایان دهیم!

به پیروزی های تازه صلح و استقلال ملی بکوشیم!

تشنج زدایی را تعظیم بخشیم!

هفته دقترن حاضر شامل هدی پروپوزهای بزرگ صلح و استقلال ملی بوده است و به مناسبت منتهای صلح بوده است.

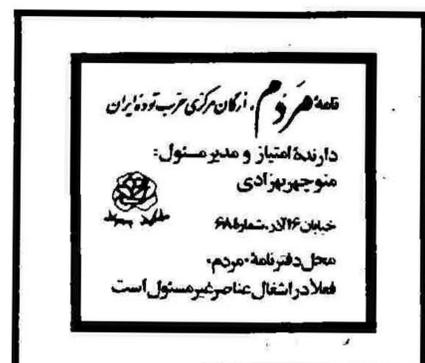
امکانی در راهی با امید شده است. امکانی در راهی با امید شده است.

برای همه کسانی که - مرفنظر از اختلافات دربارۀ مسایل دیگر - نظیر بودن و وضع کنونی بین المللی را درک می کنند، امری حیاتی است که نیرو و تلاش خود را متحد سازند تا پیروزی های صلح در دهه گذشته در طول سالهای دهه هشتاد به مدافع عالیتری برسد، معبود ما ریجی تراکم جنگ افزارها متوقف گردد و تحکیم روند تشنج زدایی تا مبن شود.

پارلمان جهانی صلح، نمایندگان اکثریت وسیع مردم جهان را در یک محل گرد خواهد آورد. ملت های جهان توانایی آن را دارند که جنگ افزا و سودجویان تولیدات جنگی را شکست دهند. در این سی و پنجمین سال در هم شکسته شدن فاشیسم هیتلری، مردم ملحد و دست همه کشورهای در جشن ها و مراسم یادبودی که به این مناسبت برپا شد، به دعا خواستند که هرگز جنگ دیگری روی نماند. آنها همچنین بمناسبت پنجمین سالگرد کنفرانس هلسینکی برای امنیت و همکاری در اروپا، عهدخواهندیست که روح هلسینکی را زنده نگاه دارند و در پیشبرد آن بکوشند.

در پارلمان جهانی صلح، نمایندگان سازمانهای بین المللی، نمایندگان و ناظرانی که هر یک به نام از سوی کمیته بین المللی تدارکاتی دعوت خواهند شد، و همچنین هیئت های نمایندگی ملی شرکت خواهند داشت. هیئت های نمایندگی ملی مرکب خواهد بود از:

- نمایندگان دستگاهای رهبری احزاب و سازمانهای توده ای،
- شخصیت های نامبردار در سطح ملی و بین المللی، که هر یک به نام دعوت خواهند شد،
- نمایندگان که در اجتماعات و کنفرانس های استان و شهرستان و در کارخانها و ادارات و دانشگاهها و غیره



حرف آخر اینست: با دشمنان انقلاب ایران دشمن- عنوان و بلاک خارجی آنها هر قدر مردم فریب باشد. با دوستان انقلاب ایران دوست- ایندولوزی و معتقدات سیاسی آنها هر چه باشد.

## گوانی روز افزون هزینه زندگی بر دوش زحمتکشان سنگینی می کند. زحمتکشان را باید با تصمیمات فوری وقاطع انقلابی از زیر این بار نجات داد



دهها میلیون نفر از اقلیت های نژادی در آمریکا، در فقر مطلق زندگی می کنند

حدود دو بیست سال زمان، که برای پیشبرد ملج و تامین حقوق اقلیت های نژادی در آمریکا تلاش می کنند، کنفرانسی در نیویورک برگزار کردند. در این کنفرانس، ضمن اشاره به وضع اسفنا را اقلیت ها در آمریکا، گفته شده است که، سیاستمداران آمریکا بی به محض آنکه صندوقهای آراء تعطیل شد، تمام وعده های خود را در مورد به اصطلاح بهبود وضع زندگی اقلیتها فراموش می کنند.

مبارزه خلق السالوادور علیه امپریالیسم آمریکا اوج میگیرد

همزمان با گسترش مبارزه خلق السالوادور علیه دارودسته دست نشانده این کشور، امپریالیسم آمریکا آماده می شود تا مستقیماً در السالوادور وارد عملیات شود. چند روزنامه آمریکا بی از جمله روزنامه "سان فرانسیسکو اکزامینر"، گزارش دادند که هزاران تفنگدار دریایی آمریکا در کالیفرنیا شمالی، آلاباما و اوهایو، برای مداخله در السالوادور و سرکوب قیام خلق مبارز این کشور، آموزش می بینند. در کشورهای هم مرز با السالوادور نیز مزدوران بوسلیه عمال آمریکا تربیت می شوند. از جمله هم اکنون ما موران "سیا" بقایای گارد ملی سوموزا را در هندوراس آموزش می دهند تا از این مزدوران برای سرکوب مبارزه خلق السالوادور استفاده شود. همچنین نیروهای آمریکایی مستقر در منطقه کانال پاناما با بمباران ماههاش درآمده اند.

از سوی دیگر سفارت آمریکا در سان سالوادور، هم اکنون عملیات علیه خلق السالوادور را رهبری می کند. تلاشهای امپریالیسم آمریکا برای مداخله مستقیم در السالوادور، در حالی شدت می گیرد که جبهه دمکراتیک انقلابی سازمان دربرگیرنده نیروهای چپ و سائیر نیروهای دمکراتیک - با پشتیبانی بیدریغ خلق ستمدیده، ضربات کوبنده ای به ارتش مزدوروارا در کرده است. در یک هفته اخیر، نیروهای مسلح "جبهه"، سربازان ارتش را در چند جبهه درهم شکستند. جبهه دمکراتیک انقلابی، از سوی دیگر برنامه یک اعتصاب سه روزه را اعلام کرده است.

حمایت رهبران موزامبیک و زیمبابوئه از مبارزات خلقی آفریقا علیه امپریالیسم

در پایان دیدار سومورا ما تل، رهبر موزامبیک از زیمبابوئه، اعلامیه مشترکی انتشار یافت. در این اعلامیه دو کشور همبستگی کامل خود را با مبارزه آزادیبخش خلقی آفریقا بی اعلام کردند و بویژه از پیروزی های خلق نامیبیا در نبرد علیه نژادپرستان آفریقای جنوبی ابراز خرسندی نمودند. موزامبیک و زیمبابوئه همچنین تاج و تاج نژادپرستان را علیه آنگولا و زامبیا محکوم و تائید کردند که آفریقا زمانی آزادخواهد شد که قاطعانه هرگونه تسلط سیاسی و اقتصادی امپریالیست ها را طرد کنند.

انتشار جلد اول آثار ابوعلی سینا بزبان تاجیکی در تاجیکستان شوروی

جلد اول آثار ابوعلی سینا، بزبان تاجیکی در جمهوری تاجیکستان شوروی منتشر شد. بنا به تصمیم یونسکو، امسال هزاره ابوعلی سینا برگزار می شود. در جمهوری آذربایجان شوروی نیز فیلمی از زندگی ابوعلی سینا تهیه شده است.

آغاز پنجمین ماه اقامت فضا نوردان شوروی در سالوت ۶

فضا نوردان سقینه فضا بی سالوت ۶ شوروی، پنجمین ماه اقامت در این سفینه را آغاز کردند. پاپوف و رومین، فضا نوردان سالوت ۶، در چهار ماه گذشته، آزمایش های فضا بی بسیار گرگانها بی

آقای قطب زاده! سیاست غلط و زیانبخش را بادشنام به حزب توده ایران نمی توان توجیه کرد

امام خمینی، رئیس جمهور و تمام شخصیت های برجسته انقلابی مذهبی و سیاسی، دولت موقت را یک دولت ناموفق می دانند. البته هیچ کسی منکر نیست که در دوران پس از انقلاب کم و بیش کارهای مثبتی انجام گرفته است. اما همه معتقدند که کارهایی که انجام گرفته در مقایسه با آنچه می توانسته است انجام بگیرد، بسیار ناچیز است. دولت موقت، یعنی حکومتی که پس از انقلاب تشکیل شد و تا تشکیل دولت جدید مسئول امور است، در هیچ رشته و زمینه ای نتوانسته است پا به پای انقلاب شکوهمند ایران به جلو گام بردارد و هر گام کوچکی را نیز مستقیماً زیر فشار مردم وامام خمینی، زبان گویای توده ها، برداشته است. دولت موقت، که لنگ لنگان قدم بر می داشت، از توده ها، که با همان شتاب انقلاب به پیش ناخستند، فرسنگها عقب مانده است. اینست عملکرد دولت موقت به طور کلی و ارزیابی امام خمینی از آن. اما اگر ما بخواهیم عملکرد هر یک از وزارتخانه ها را به طور جداگانه بررسی و ارزیابی کنیم، باید بگوییم که عملکرد برخی از وزارتخانه ها، از جمله وزارت امور خارجه، نه تنها ناموفق، بلکه در بسیاری از موارد از خطا انقلاب ما خارج بوده است. علت این امر نه تنها عدم شایستگی مسئولان، بلکه همچنین ساخت و ترکیب این وزارتخانه است، که بدلیل وابستگی لاینفک آن به رژیم گذشته بدون درهم شکستن بنیادی آن، گماردنش به خدمت انقلاب ممکن نبود، چیزی که متأسفانه در دوران پس از انقلاب انجام نگرفت و این وزارتخانه هنوز هم بالاترین درصد سرسیردگان رژیم سابق را در آغوش گرم خود حفظ کرده است. وزارت امور خارجه در هر کشوری از مهمترین پایگاه های رژیم به شمار می رود و رژیم شاه نیز این وزارتخانه را به دلخواه خود دست چین کرده و مطمئن ترین هواداران خود را در آن جای داده بود. درباره عملکرد وزارت امور خارجه مردم ایران دل پری دارند. ما یک شخصیت انقلابی مذهبی و سیاسی، یک گروه یا سازمان سیاسی انقلابی، یک روزنامه یا مجله انقلابی و حتی یک فرد عادی انقلابی را نمی شناسیم که در تائید فعالیت آقای قطب زاده، به عنوان وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران،

انجام داده اند. در این مدت دو اکیسب فضا بی شامل فضا نوردان شوروی، پنتام و مجارستان گرفته، سالوت ۶، همگی مدت دو هفته با پاپوف و رومین به انجام آزمایش های مشترک دست زدند.

امپریالیسم آمریکا تدارکات جنگی خود را در آفریقا نوس هند گسترش می دهد

تدارکات جنگی امپریالیسم آمریکا در آفریقا نوس هند و خلیج فارس بی وقفه ادامه دارد. بنا به گزارش شبکه تلویزیونی ای - بی - سی، آمریکا موفق شده است که حق استفاده از بنادر سومالی را برای نیروهای خود بدست آورد. آمریکا با لیسیم آمریکا قبلاً با کنیا و عمان نیز به توافق های مشابهی رسیده بود.

تدارکات جنگی امپریالیسم آمریکا در آفریقا نوس هند و خلیج فارس بی وقفه ادامه دارد. بنا به گزارش شبکه تلویزیونی ای - بی - سی، آمریکا موفق شده است که حق استفاده از بنادر سومالی را برای نیروهای خود بدست آورد. آمریکا با لیسیم آمریکا قبلاً با کنیا و عمان نیز به توافق های مشابهی رسیده بود.

تلاش قطب زاده برای آزادی گروگان های جاسوس و درگیری با دانشجویان مسلمان پیرو خط امام نیز جز این هدفی نداشته است. قطب زاده در گفته هایش در برابر نمایندگان مجلس می خواهد این عدم اصولیت را با عوام فریبی پرده پوشی کند.

مخالفت روزافزون با رژیم دست نشانده ضیاء الحق در پاکستان

رژیم رسوای ضیاء الحق، که پاکستان را به پایگاه تجا و ژان آمریکا تبدیل کرده است، با مخالفت روزافزون روبرو میشود. نمرت بوتو، رهبر حزب مردم پاکستان، سیاست دولت آمریکا را در مورد مداخله آشکارا روبرو می شمارد و در مورد خلیج پاکستان محکوم کرده. نمرت بوتو گفت:

رژیم ضیاء الحق از "بودجه اهدایی" از خارج، برای تربیت و آموزش خراب کاران افغانی استفاده می کند. از سوی دیگر حزب "تحریک استقلال پاکستان" از مردم خواست که بسرای سرتگون کردن رژیم ضیاء الحق مبارزه را گسترش دهند. یکی از رهبران برجسته حزب اعلام کرد که رژیم ضیاء الحق هیچ پایگاهی در میان مردم ندارد.

سقیه از صفحه ۱ او با شان قاسملو

ریائی، بشدت مجروح شدند، که خوشبختانه حالت ن رو به بهبود است. بعد از ظهرها نوز، آنفرا زرقای ما بخاطر فروش نامه مردم، توسط همان افراد دستگیر و به اصطلاح شورای نظامی گروه قاسملو برده شدند. در آنجا، آنها را مورد تهدید قرار دادند و از آنها خواستند که از فروش نامه مردم خودداری کنند. از جمله کسانی که رفقای ما را مورد توهین و دشنام قرار دادند، کریم حسا می مسئول حزب دمکرات قاسملو در مهاباد بود.

وحشت گروه قاسملو، از حزب توده ایران و افشاگریهای مهلک (مهلک برای آنها) "نامه مردم" طبیعی است. هر یک از این افشاگریها چون تیغی برنده، نقیصه عوام گرایی نه ای را که در "دفاع از حقوق خلق کرد" برچهره کشیده اند، می در دو ما هیت زشت و خائشان آنها را بر خلق کرد می نمایاند. خلق را هشیار و سالومان را رسوا و منفرد می کند و تمهیدات آنها را برای کشاندن خلق کربده و رطبه نابودی بی اثر می سازد.

حزب توده ایران بی گریزترین دوست خلق کرد بوده، هست و خواهد بود و تا ما تلاشها و خشم و کین دیوانه و دشمنان خلق کرد، هیچگاه به ما زدا شدن حزب ما در پیمودن راهی کسسه می رود، قادر نخواهد بود. گروه قاسملو کافست نگاهی به تاریخ ۴۰ سال گذشته حیات حزب توده ایران بیبنا زد.

مخالصه بوده است، تا مبارزه.

قطب زاده، در مجلس می گوید: آنچه در زمینه سیاست خارجی انجام شد، در یک چهارچوب معین و مشخص نبود و ناظر بر این بود که شخص وزیر امور خارجه، آن طوری که مصلحت می بیند، با توجه به مقتضیات عمل کند.

هر کس که واقعا در خط امام باشد، اینقدر استقلال عمل داشته باشد، بی تردید مبارزه با آمریکا را بر مصالحه با آن ترجیح می دهد. آقای قطب زاده برعکس رفتار کرد، زیرا بر حسب اعتقادات سیاسی خود آمریکا را دشمن شماره یک ایران نمی داند، ولی پاکستان و ترکیه و چین را دوستان نزدیک ایران به شمار می آورد. این موضع عقیدتی آقای قطب زاده که با موضع آن عده از کارکنان وزارت امور خارجه که زمینه را برای اتخاذ تصمیمات سیاسی آماده می کنند و اغلب آنها طرفدار "مخالصه" با آمریکا هستند نه مبارزه، چنان هم آهنگ و موافق است که هر اقدام وزارت امور خارجه ایران در دوران پس از انقلاب در یک جمله خلاصه می شود: تلاش برای مصالحه با آمریکا

عملکرد وزارت امور خارجه ایران در دوران پس از انقلاب لزوم پاکسازی این وزارتخانه از "سیاست سازان" طاغوتی را با حدت هر چه بیشتر مطرح می کند. آقای قطب زاده که جای خود دارند، هر وزیر مطلع و با حسن نیت، انقلابی هم که بعداً در راس وزارت امور خارجه قرار گیرد، نمی تواند گریبان خود را از کارکنان این خوابگاران و جو فاسدی که در آنجا حکم فرماست رها کند. وزیر بدون کارمند انقلابی و دلسوز مانند نجار بدون ابزاری است که از زیر دست آن هرگز ساخته کاملی بیرون نخواهد آمد.

آقای قطب زاده مدعی است که هزار نفر را بیرون کرده، لیکن نتوانسته است ۶۰ نفر جدید را استخدام کند. این هم ناشی از طرز فکر بوسیده طاغوتی است که در وزارت امور خارجه ایران حکم فرماست و هر عنصر جدید را با هزاران اشکال تراشی از کالبد طاغوت زده خود بیرون می راند. اگر آقای قطب زاده با مقولات انقلابی فکر می کردند می توانستند به جای ۶۰ نفر، صدها نفر راه عضویت وزارت امور خارجه ایران بپذیرند. مگر تعداد روشنفکران و دانشجویان و کارگران انقلابی کم است؟ مگر انقلاب های مردمی دیگر چه کردند؟ یک کارگر فهمیده را انتخاب کردند، شش هفت ماه او را تعلیم دادند و به کار در وزارت امور خارجه گماشتند. مگر خود آقای قطب زاده وزارت کرده بودند که امروز خودشان را لایق ترین وزیر امور خارجه ایران می دانند و مدعی هستند که هیچ اشتباهی از ایشان سر نزده است؟ آیا در یکسال و نیمی که از انقلاب می گذرد، نمی شد از میان فرزندان طبقات مجروح دویست - سیصد نفر را انتخاب کرد به آنها درس داد و آنان را در سفارت خانه های ایران به خدمت گماشت؟ طاغوتیانی که در وزارت امور خارجه مسکن گرفته اند، هرگز به قبول این جوانان به عنوان دیپلمات راضی نمی شوند. اما مگر انقلاب ایران باید تا ابد اسیر کار شکنی های عمال رژیم سابق باشد؟

در وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، برای آنکه پاسخگوی نیاز جامعه انقلابی ما باشد، باید خانه تکانی اساسی صورت گیرد، هم در زمینه تصمیمات سیاسی و هم در زمینه مجریان این تصمیمات. ما امیدواریم که دولت آینده این هر دو مشکل را به شیوه ای انقلابی حل کند.